هفتهٔ نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ یازدهم | شنبه ۱٦ سرطان ۱۳۸٦ | ۲۲ جمادی الآخر ۱٤۲۸ - 7 July , 2007

کنفرانس توسعهٔ قضایی افغانستان در ایتالیا

به روزهای دوشنبه وسه شنبه هفته گذشته کنفرانس توسعه قضایی افغانستان، در شهر رم پایتخت ایتالیا برگزار شد.

نمایندگان بیست و پنج کشور جهان، بانک جهانی، بانک آسیایی توسعه و اتحادیهٔ اروپا، در این کنفرانس، راههای تحکیم قانون و اصلاح نظام قضایی افغانستان را بررسی نمودند..

رئیس جمهور افغانستان، بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد و یاب دی هوپ شفر دبیرکل پیمان ناتو از سخنرانان اصلی این کنفرانس بودند. آقای بان کی مون دبیرکل سازمان ملل در سخنرانی خویش گفت جهان باید یکصدا از اصلاحات عدلی و قضایی در افغانستان حمایت نماید. وی افزود برای هر دولت موفق، حاکمیت قانون مهم ترین مسأله است.

آقای کرزی رئیس جمهور افغانستان در این کنفرانس از حمایت ایتالیا در زمینهٔ اصلاحات قضایی به قدر دانی یاد آوری نمود و اظهار داشت که این اصلاحات زمانی طولانی نیاز دارد.



اعضای هیأت افغانستان در این کنفرانس راوزاری خارجه ، عدلیه ، تحصیلات عالی ، رئیس محکمه عالی ورئیس سارنوالی تشکیل می داد.

هدف اصلی از برگزاری این اجلاس بررسی راه های تأمین اعتبار مالی برای بهبود و توسعهٔ نظام قضایی افغانستان بود .

برخورداری بهتر مردم از خدمات حقوقی، اصلاحات در وضعیت زندان ها و آموزش دست اندرکاران نظام قضایی افغانستان، ازجمله مسایل اصلی بحث در این اجلاس بود. ادامه درص۸

در دیدار رئیسان جمهوری افغانستان و ترکمنستان مطرح شد

همکاری دو کشور در بخش انرژی و کشیدن خط لولهٔ گاز به هند و پاکستان

رؤسای جمهوری افغانستان و ترکمنستان گسترش همکاری های دو جانبه از جمله در زمینه صادرات و ترانزیت گاز و برق را مورد بررسی قرار دادند.

به گزارش بی بی سی روز جمعه ۱۵ سرطان، رادیوی دولتی ترکمنستان به نقل از بیانیهٔ کمیسیون مشترک ترکمنستان و افغانستان گزارش کرد که دو کشور مصمم هستند در زمینه های تأمین سوخت، ایجاد تأسیسات برق و همچنین حمل و نقل و مبادلات تجاری همکاری گسترده تری را آغاز کنند.

حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان، به دعوت قربان قلی بردی محمداف، رییس جمهوری ترکمنستان، روز پنجشنبه برای دیداری دو روزه عازم آن کشور شد. ادامه درص۸

کشف گور دستجمعی در کابل

به گزارش بی بی سی اوایل روز جمعه ۱۵ سرطان یک گور دسته جمعی حاوی صدها جسد در یک زندان زیرزمینی در شمال شهر کابل در دشت چمتله کشف شده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه علی شاه پکتیاوال مدیر مبارزه با جرایم جنایی فرماندهی پلیس کابل در گفتگو با شبکهٔ بی بی سی گفته که این گور در یک پایگاه نظامی متعلق به دوران اشغالگری شوروی سابق در افغانستان (دههٔ ۱۹۸۰) کشف شده است.

این کشف هولناک زمانی رخ داد که یک مرد کهن سال که اخیراً به افغانستان بازگشته، پلیس را به محل کشته شدن قربانیان راهنمایی کرد. ظاهراً در این محل قربانیان در سلول‌های شان به حال خود رها شده‌اند تا بمیرند.



به گفتهٔ علی شاه پکتیاوال این پیر مرد دربارهٔ این گور مطالبی به ما گفت. او به ما گفت زمانی که در آن محل یک پایگاه نظامی روسی وجود داشته و او به عنوان راننده در آن جا کار می‌کرده است. ادامه درص۸

درگیری نیروهای پاکستانی با طلاب دینی دراسلام آباد



درگیری های روز جمعه ۱۵ سرطان طلاب مدارس دینی در لال مسجد (مسجد سرخ) در اسلام آباد،بانیروهای پلیس بیش از۲۰ کشته و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح به جا مانده است.

علما و طلاب لال مسجد (مسجد سرخ) و دو مدرسهٔ دینی مردانه و زنانه وابسته به آن خواستار اجرای قوانین اسلامی در پایتخت هستند.

درگیری نخست بامداد روز سه شنبه، ، هنگامی آغاز شد که گروهی از طلبهٔ مدرسه وابسته به مسجد لال که به چماق و اسلحه گرم مسلح بودند، به یک پست نگهبانی پلیس در نزدیکی این مسجد حمله بردند. متعاقب آن نیروهای پلیس منطقه را تحت محاصره قرار داد و جنگ سختی میان طرفین در گرفت.

دولت در اطراف مسجد لال مقررات منع رفت و آمد اعلام کرده و برق مجتمع را قطع کرده است. نیروهایی که در اطراف این مجتمع موضع گرفته اند دستور دارند هر فرد مسلح در حال خروج از آن را هدف بگیرند. مقامات دولتی اعلان نمودند هرفردی ازمیان پیکارجویان که سلاح های خود را تسلیم کنند عفو خواهند شد.

مولوی محمد عبدالعزیز امام مسجد سرخ و گردانندهٔ مدارس دینی آن شام روز چهارشنبه پس از درگیری های روز گذشته زمانی دستگیر شد که می خواست با استفاده از چادر زنانه از محل فرار کند. به گزارش رسانه ها اکثر کسانی که در مجتمع مسجد سرخ سنگر گرفته بودند پس از دستگیری مولانا محمد عبدالعزیز خود را به نیروهای ارتش تسلیم کرده اند. اما تا هنوز چند صد نفر زن و مرد از طلاب این مدرسه به اعتراضات خشونت آمیز خود ادامه می دهند. ادامه درص۸

در سه روز گذشته ۹ سرباز ناتو کشته شدند



نیروهای بین المللی به رهبری ناتو در افغانستان می گویند به روز چهارشنبه ۱۴ سرطان، ۶ نفر از سربازان آنها و یک مترجم افغانی، در اثر انفجار بمبی که در کنار جاده در قندهار کار گزاری شده بود کشته شده اند. این پر تلفات ترین حمله علیه نیروهای ناتو ظرف چند هفتهٔ اخیر به شمار می رود.

مخالفان مسلح دولت که بیشتر در ولایات هلمند و قندهار در جنوب افغانستان فعالیت دارند، در ماه های اخیر به کار گذاشتن بمب های قوی در کنار جاده ها دست زده اند. تحلیلگران می گویند این تاکتیکی است که به نظر می رسد از عراق تقلید شده است.

کانادا از جملهٔ کشورهایی است که بیشترین تعداد نیروهایش را در جنوب افغانستان بعد از کشورهای امریکا و انگلیس جا به جا نموده است. حضور نظامی کانادا در افغانستان مخالفت هایی جدی را در آن کشور به دنبال داشته است، از چندی بدین سو بحث هایی ادامه درص۸

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تاسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر: دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

ادرس: کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی: ۲۲٦

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

توسعهٔ قضایی در افغانستان

روزهای دوشنبه و سه شنبه هفتهٔ گذشته شهر رم پایتخت کشور ایتالیا شاهد برگزاری کنفرانس توسعهٔ قضایی افغانستان بود.

در این کنفرانس نمایندگان بیست و پنج کشور علاقه مند به مسائل افغانستان و مؤسسات و سازمان هایی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیهٔ اروپا و بانک جهانی و بانک توسعهٔ آسیایی شرکت ورزیده بودند.

بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد در سخنرانی اش در این کنفرانس از جهان خواست که باید همه یک صدا از روند اصلاحات عدلی و قضایی در افغانستان حمایت کنند و گفت: "برای هر دولت موفق، حاکمیت قانون مهم ترین مسأله است".

کنفرانس توسعهٔ عدلی و قضایی در وقتی برگزار می شود که چندی پیش تام کونیکس نمایندهٔ ویژهٔ دبیر کل سازمان ملل متحد در افغانستان در یک کنفرانس خبری عدم حاکمیت قانون در افغانستان را یکی از عوامل مهم عدم ثبات و بی امنیتی در کشور خواند و رئیس جمهور متعاقباً در یک جمع از بزرگان مردمی این سخن نمایندهٔ ویژهٔ سازمان ملل در افغانستان را تأیید کرد و عدم حاکمیت قانون و تطبیق ان را یکی از مهم ترین عوامل ضعف دولت و بی ثباتی معرفی کرد.

در بیش از پنج سال پیش در کنفرانس بن اصلاحات امور عدلی و قضایی و توسعهٔ آن یکی از مسائل مهم ثبات و بازسازی در دولت جدید خوانده و امر حمایت و هدایت ان به کشور ایتالیا سپرده شد.

در طی سالیان گذشته کارهایی در زمینهٔ اصلاحات و توسعه قضا انجام یافته است: قوانین نافذ در کشور تجدید چاپ شده و در دسترس قضات و مراجع حقوقی قرار داده شده است. سیمینارها و کنفرانس ها و دوره های اموزشی و ورکشاپ هایی برای این منظور برگزار شده است. این کارها را غالبا موسسه یی به نام "ایدیلو" تحت اسراف کشور ایتالیا انجام داده است.

اما با این همه وضعیت قضا در افغانستان نشان می دهد تحولی چندان مثبت در این زمینه به میان نیامده و از چالش های فرا راه قضا در پنج سال پیش کاسته نشده است و تا کنون قضا و روند داد رسی به دادخواهان از فساد اداری و عدم کاردانی و کار ایی و نداشتن ابزارها و مؤسسات مورد نیاز رنج می برد.

بی تردید توسعهٔ قضا در افغانستان بدون توجه به امنیت و حاکمیت فراگیر دولت نا میسر است، اما به باور ما دولت افغانستان در طی این پنج سال گذشته یک استراتیژی کار امد برای اصلاحات و توسعه در نظام عدلی و قضایی کشور نداشته است. گذشته از ان خود در بسا موارد بسیار حساس و الگو ساز است که سنت قانون شکنی و بازی به نهادهای تقنینی را رایج کرده است: تا هنوز مردم خاطرات تحمیل اندیشه و افکاری خاص از سوی دولت را در لویه جرگه تصویب قانون اساسی و تحریف و تفسیر مواردی را در آن پس از تصویب از یاد نبرده اند و تا هنوز رئیس جمهور به اعتراضات متقن در این باب پاسخ نگفته است، که این کار به جای فرهنگ قانونمداری، فرهنگ قانون گریزی و قانون ستیزی را بی تردید در جامعه رایج کرده است.

موسسات قضایی افغانستان در طی سه دهه جنگ و بی ثباتی و توالی نظام های سیاسی با ایدئولوژی های متفاوت دچار اسفتکی زیاد شده است. موسسات کادر ساز برای قضا نیز از این اسفتکی های دوران جنگ برکنار نمانده است. دولت در طی این مدت به تقویت و تأسیس مؤسسات کادر ساز توجه نکرده است. امروز بیشترین بار قضای افغانستان به دوش کسانی قرار دارد که تحصیلات تخصصی در مسائل قضایی ندارند و از آداب قاضی به تعبیر قدما بی بهره هستند. پرورش کادرهای تازه و بازپروری کارمندان پیشین قضا از وظایف عمدهٔ توسعهٔ قضایی در افغانستان است.

در روند توسعهٔ قضا در افغانستان توجه به متد و مکانیزم های قضایی معمول در کشورهای پیشرفته مهم است ولی نباید میان متد و ابزارها، و میان محتوی اشتباه کرد. قوانین افغانستان بر پایهٔ قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلامی است و هیچ قانونی نمی تواند در مخالفت با احکام آن شکل بگیرد. لهذا قضای افغانستان هم در زمینهٔ تقنین و هم در زمینهٔ اجرا به فقیهان و مجتهدانی نیاز دارد که در حین تسلط بر مناحی و اطوار فقه و سیر قضا در اسلام از شیوهٔ قانونگذاری و مؤسسات قضایی در جهان معاصر نیز آگاهی داشته باشند.

در کنفرانسی بین المللی که قرار است به منظور نهایی کردن استراتیژی اصلاحات عدلی و قضایی افغانستان در ماه اکتبر امسال، در کابل برگزار شود، باید به مسائل یاد شده توجه گردد تا به داشتن یک قضای متکامل و معاصر در اینده چشم داشت.

حاکمیت قانون در افغانستان



ابوبکر سبزوار

از کنفرانس بن که در اخیر سال ۲۰۰۱ دایر گردیده بود. تاکنون چندین کنفرانس دیگر در رابطه به جلب کمک های بین المللی به افغانستان در کشور های مختلف دایر گردیده است. کنفرانس هایی که هرچند به خاطر افغانستان دایر گردیده اما در عمل دست آورد اندکی داشته است.

مشکل این است که مقامات دولتی ما از این کنفرانس ها فقط یک انتظار داشته اند: همین که مسالهء افغانستان در ذهنیت جهانیان فراموش نشود برای آنان کافی است.

در کنفرانس دو روزهء حاکمیت قانون در افغانستان که در روم پایتخت ایتالیا دایر گردید یک بار دیگر به یک مشکل اساسی در افغانستان پرداخته شد: چگونه می توان حاکمیت قانون را در این کشور تحکیم و تعمیم بخشید و نهاد های قضایی را تقویت کرد. کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس تعهد کردند تا مبلغ سه صد وشصت میلیون دلار برای تقویت حاکمیت قانون و اصلاحات عدلی و قضایی در افغانستان بپردازند. دولت افغانستان خواهان ششصد میلیون دلار برای تمویل پروژه های تحکیم حاکمیت قانون در افغانستان بود.

افغانستان در این کنفرانس در کنار سازمان ملل متحد و دولت ایتالیا میزبانی این کنفرانس را به عهده داشت و حامد کرزی مانند معمول از نتایج کنفرانس ابراز رضایت کرد.

در کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ میلادی، کار کمک به بازسازی سیستم قضایی افغانستان به عهدهء کشور ایتالیا نهاده شد و این کشور از آن زمان تا کنون در بخش بازسازی و تقویت سیستم قضایی. افغانستان را یاری رسانیده است که از آن جمله بازسازی ساختمان های محاکم در مرکز و ولایات کشور. تلاش به کمپیوتری ساختن نگهداری اسناد و اموزش قضات جدید از جمله، این اقدامات است اما مشکل حاکمیت قانون در این کشور مسئلهء بسیار پیچیده تر از آن است که بتوان آن را فقط با دسترسی به امکانات مادی حل کرد.

هرچند مساألهء فساد اداری در همه ادارات کشور وجود دارد اما این مشکل در قوهء قضائیه بیشتر اعتراض برانگیز بوده است. مقامات قوهء قضائیه کمبود حقوق ماهیانهٔ قضات را یکی از عوامل عمده در این مشکل می دانند. مساأله یی که در کنفرانس روم نیز به آن پرداخته شد. اما مشکل قوهء قضائیه تنها در کمبود حقوق کارمندان وقضات نیست. کمبود کادر های مجرب و کار آزموده از مواردی است که این قوه را به مشکل مواجه ساخته است.

از نه قاضی دیوان عالی کشور اکثریت آنان به شمول قاضی القضات، تجربهء کاری در قضا ندارند. در ولایات دوردست، قضات از میان علمای دین در محل به این دلیل انتخاب می شوند که قضات غیر محلی کمتر تمایل به رفتن به آن مناطق را دارند و کمی حقوق مانع عمده یی در راه توظیف قضات غیر محلی به نقاط دور دست است.

مشکل این است که مقامات دولتی ما از این کنفرانس ها فقط یک انتظار داشته اند؛ همین که مسألهء افغانستان در ذهنیت جهانیان فراموش نشود برای آنان کافی است

در مناطق ناامن، دروازه های محاکم عملا به روی مردم بسته است. در بعضی از ولسوالی های ناامن جنوب، طالبان قضات خود را تعیین کرده و تهدید نموده اند که مراجعه، مردم به محاکم دولتی به معنی جانبداری از نیروهای خارجی در افغانستان است. کشتار غیرنظامیان به دست نیروهای خارجی چالشی دیگری است که فراراه حاکمیت قانون در افغانستان قرار دارد.

افغانستان از نظر حاکمیت قانون درگیر یک دایرهء باطل است. از آن جا که در جامعه اجرای عدالت بدون حاکمیت قانون میسر نیست، بدون عدالت، امنیت به میان نخواهد آمد و در نبود امنیت، حاکمیت دولتی وجود نخواهد داشت. نبود حاکمیت دولتی به معنی نبود حاکمیت قانون است تا زمانی که این دایرهء باطل نشکسته است، هیچ کنفرانس بین المللی گره گشای مشکل حاکمیت قانون در کشور نخواهد بود

مسالهء دیگری که به عنوان یک چالش مهم فراراه حاکمیت قانون در کشور قرار دارد. تداخل کاری نهاد های مختلف در امور همدیگر است. نامشخص بودن حدود اختیارات موجب کشمکش میان این گونه ادارات گردیده و در نتیجه برای مردم نیز مشکلات زیاد به میان آورده است.

وقتی از حاکمیت قانون در یک کشور سخن به میان می آید، نکتهء اساسی این است که زمامداران آن کشور تا کدام حد تمایل به این حاکمیت دارند. در کشوری که زمامدارانش حاکمیت قانون را با حاکمیت خود در تضاد بینگارند، نمی توان به تحکیم قانون در آن کشور امید بست. آیا در افغانستان واقعا چنین تمایلی وجود دارد؟

قانون اساسی کشور ما به عنوان منشور شهروندی، تمام اتباع افغانستان را دربرابر قانون دارای حقوق یکسان می شمارد اما همین قانون اساسی در موارد متعدد دارای ابهامات و نواقصی است که موجب ایجاد خلای قانونی در کشور گردیده و زمینهء زیر پا کردن قانون را برای زمامداران فراهم آورده است.

درست است که قانون اساسی اتباع کشور را در برابر قانون یکسان می داند اما مشکل عمده این است که به علت پایین بودن سطح سواد و رسوب های ناشی از دهها سال زور سالاری، مردم از حقوق قانونی خویش اطلاعی ندارند. حتی در همین شهر کابل ما همه روزه شاهد لت و کوب رانندگان به خاطر تخلف از مقررات رانندگی. به دست مأموران ترافیک هستیم! آیا عجیب نیست که متخلفی که باید با جریمهء نقدی مجازات شود. با این گونه برخورد مواجه می شود؟ وقتی موظفین ترافیک در حضور مردم و در جاده ها با مردم این گونه برخورد دارند، سایر ارگانها با مردم چه می کنند؟

فساد اداری به صورت بسیار گستردهء آن موجب گردیده که مردم به حاکمیت قانون در کشور سخت بی باور گردند. در هیچ ادارهء دولتی. اجرای کار بدون پرداخت رشوه ممکن نیست. طبق سروی یک نهاد بین المللی بی طرف. هر خانواده، افغان به صورت متوسط سالانه یکصد دلار رشوه به ماموران دولت می پردازد.

بنابراین می بینیم که حاکمیت قانون در افغانستان به چالش هایی بسیار پیچیده مواجه است. افغانستان از نظر حاکمیت قانون درگیر یک دایرهء باطل است. از آن جا که در جامعه اجرای عدالت بدون حاکمیت قانون میسر نیست، بدون عدالت، امنیت به میان نخواهد آمد و در نبود امنیت، حاکمیت دولتی وجود نخواهد داشت. نبود حاکمیت دولتی به معنی نبود حاکمیت قانون است. تا زمانی که این دایرهء باطل نشکسته است، هیچ کنفرانس بین المللی گره گشای مشکل حاکمیت قانون در کشور نخواهد بود.

تکـرار تـاریـخ

وحید مژده

این نوشته تحلیلی با پس منظر تاریخی از مشکلات زمامدارانی است که در گذشته به کمک نظامی خارجی ها متکی بودند و یا در شرایط حضور نیروهای خارجی بر کشور حکم می راندند. از این مشکل در تاریخ کشور ما لااقل سه مورد مشابه را می توان برشمرد.

مورد اول

در تاریخ افغانستان شاه شجاع الملک پسر تیمورشاه درانی به کمک نیروهای انگلیسی دو بار به تخت سلطنت کابل نشست. از شاه شجاع به همین دلیل در تاریخ افغانستان نام زشتی به یادگار مانده است. اما زمانی فرا رسید که وی متوجه شد که بدون حمایت مردمی، حاکمیت ارزشی ندارد.

هرچند در کتابی که به قلم خود وی نخستین بار در هند بریتانی پس از مرگش به چاپ رسید، وی از انگلیس ها به نیکویی یاد کرده و اعلامیه های مبنی بر دعوت مردم به قیام علیه انگلیس ها را که به امضای وی منتشر شده بود جعلی خوانده است اما با توجه به حقایق تاریخی و آنچه که بانو (سیل) انگلیسی که خود از شاهدان عینی آن دور بوده، در کتاب خود نوشته است، به نظر می رسد که انگلیس ها برخی از مطالب این کتاب را تحریف کرده اند.

مورخان افغانستان از جمله مرحوم غبار در مورد مداخلهء انگلیس ها در کار های دولت شاه شجاع می نویسد که درسال ۱۸۳۹ بعد از آنکه قوای انگلیسی نقاط سوق الجیشی کشور را تحت کنترل خود در آوردند، رفتار آنها هم تغییر کرد. دیگر انگلیس ها (دوست) نی بلکه زمامدار اصلی وحاکم نظامی افغانستان بودند. مکناتن نماینده وسفیر انگلیس از آن به بعد عملاً به شکل صدراعظم و هم نایب السطنهء افغانستان درآمد. تمام امور دولت مانند عزل و نصب وزرا وافسران افغانستان، بودجه و مالیات، مجازات و مکافات وغیره همه در اختیار او بود.

عمارت شاه و اتاق دربار او توسط افسر و عسکر انگیسی محافظت می شد. هیچ افغانی بدون اجازهء صاحب منصب انگلیسی حق دیدن شاه را نداشت. شاه با (۸۵۰) تن اهل و عیال خود به وسیلهء پنج هزار سرباز انگلیسی در ارگ بالاحصار محافظت می شد و گارد شاهی او اسما یک قطعهء نهصد نفری متشکل از مردمان هندی بود که هیچگونه سلاحی نداشتند و فقط با چوبهای دراز پیکاندار مجهز بودند. انگلیس ها به تدریج اشخاص صادق و ملی را از اطراف شاه دور کرده اشخاص فرومایه، خاین و بیوطن را در اطراف وی گرد آوردند.

کلنل (دینی) Dennie بحیث یاور شاه شجاع تعیین شده بود. او آن قدر بیباک بود که در مجلس شاه بی اجازه داخل می شد ووقتی به نام شاه به او به خاطر این حرکت بی ادبانه اخطار داده شد در جواب گفت: من فقط از امر گورنر جنرال هند اطاعت می کنم وبس.

حضور نیرو های انگلیسی برای افغانستان چنان مشکل آفرین شد که سرانجام شاه شجاع به مکناتن گفت که افغانستان مامون است و دیگر نیازی به حضور نیرو های انگلیسی در کشور نیست. مکاتن در جواب گفت که تا خطر امیر دوست محمد خان باقی است، موجودیت قشون انگلیسی در افغانستان حتمی است.

انگلیس ها نه تنها به واسطهء قوه، شاه را در

بعضی ها به این دلیل که سیر تاریخ از قانون خاصی تبعیت نمی کند، به تکرار وقایع تاریخی اعتقادی ندارند اما برخی از دانشمندان اهمیت تفکر در تاریخ و تفسیر وقایع تاریخی را در زندگی بشر بسیار مهم می دانند و معتقدند که "نگرش سیاسی وقتی علمی یا فلسفی می شود وادراک از کل زندگی اجتماعی هنگامی عمق پیدا می کند که تفسیر از تاریخ بشر و تفکر در آن اساس کار قرار گیرد."

دست داشتند بلکه از لحاظ سیاست هم او را محتاج به خود نگه می داشتند. زیرا تمام اوامری که برضد منافع مملکت و مردم و رؤسای متنفذ صادر می شد، همه به نام شاه بود، لهذا همه دشمن او گردیده بودند. از طرف دیگر انگلیس ها رقبای شاه را علی الرغم تمایل وی مقتدر نگه می داشتند چون نواب محمد زمان خان و سردار محمد عثمان خان برادر زاده های امیر دوست محمد خان. در حالی که قبلا گفته شد که انگلیس ها بهانهء حضور نظامی خود در افغانستان را خطر امیردوست محمد خان عنوان می کردند.

در کتاب نوای معارک به قلم میرزا عطا محمد که غبار نیز از آن نقل قول می نماید آمده است که عده یی از شخصیت های افغانستان به شاه شجاع گفتند که آنچه که در افغانستان می گذرد مسؤول آن شما هستید وشاه آه کشید و گفت که شما از دل من آگاه نیستید. من محکوم حکم پرده داران و پاسبانان انگلیسی هستم و چاره یی جز سوختن و ساختن ندارم. افسوس

مورخان مسلمان به تبعیت از روش قرآن کریم که در آن نقل وقایع تاریخی جنبهء عبرت آموزی دارد، به جنبهء آموزنده بودن تاریخ عنایت داشته اند و به همین دلیل ابن خلدون تاریخ خویش را (العبر) نامیده است. عبرت آموختن از تاریخ می تواند به این معنی باشد که آنچه در گذشته اتفاق افتاده، در شرایط مشابه امکان تکرار دارد وگرنه دلیلی ندارد که از چیزی که در گذشته واقع شده و در آینده وقوع آن به هیچ صورت محتمل نیست، عبرت آموخت

آنچه که بود از دست رفت و مردمان کاری خراسان و رجال با غیرت و همت مردند ورفتند ورنه این شمشیر من شمشیر اسلام است، هر مرد یا همتی که باشد بیاید و بردارد.

خانم سیل انگلیسی نیز در کتاب خود (تذکرهء مصایب افغانستان) نوشته است که در اکتوبر ۱۸۴۱ اعلانات زیادی به دست آمد که به امضای شاه شجاع، مردم به قیام و جهاد علیه انگلیس ها دعوت شده بودند... در پانزدهء دسامبر همین سال شاه شجاع از رفتن به هند انکار کرد و اعلامیهء جهاد ملی را در بالاحصار علیه انگلیس امضاء نمود. خانم سیل نوشت که: شاه شجاع نه اینکه رفتن به هند را همراه انگلیس نمی خواهد بلکه طبقات مختلف مردم را علیه انگلیس تحریک می کند...

مورد دوم

زمامدار دیگری که بنا بر روایتی در چنین تنگنایی ناچار به روگردانیدن از (دوستان) و به تماس با مجاهدین شد، حفیظ الله امین بود. وی پس از این که متوجه شد روسها در صدد کنار نهادنش هستند، شخصی را برای تماس با گلبدین حکمتیار به پیشاور فرستاد. فرستادهء امین سخن از دخالت های روزافزون روسها در امور افغانستان داشت و گفت که روسها می خواهند از طریق سفارت شان در کابل، افغانستان را رهبری کنند و در افغانستان یک دولت دست نشانده داشته باشند. او ضعف تره کی را از عوامل این دخالت های روزافزون خواند. مشخص بود که امین قصد کنار رفتن از قدرت به نفع مجاهدین را نداشت اما او از نزدیکی رقبای خویش به اتحاد شوروی نا راحت بود. او نه تنها با پرچمی ها مشکل داشت بلکه در جناح خلق نیز رقبای نیرومندی یافته بود. در شرایط و فضای آن دوران، مجاهدین نمی توانستند به امین اعتماد کنند و حتی کسانی که از این جریان پشت پرده آگاه شدند به این باور بودند که روسها از پیروزی دولت دست نشاندهء شان در افغانستان مایوس شده اند و از این طریق می خواهند مجاهدین را به طمع انداخته از داخل ضربه بزنند. درآن روزگار همکاری میان امین و حکمتیار قابل تصور به نظر نمی رسید. حکمتیار این مساله را با پاکستانی ها در میان گذاشت اما تنها کاری که در آن شرایط می توانستند بکنند این بود که همه منتظر بودند تا ببینند که امین از این مخمصه چگونه جان به سلامت خواهد برد؟

تحولات بعدی نشان داد که خطر برای امین واقعا جدی بوده است. سالها بعد زمانی که داکتر نجیب الله در آستانهء سقوط، با شرط مشارکت پیغامی به مجاهدین در پاکستان فرستاد و اندکی پس از آن سقوط کرد، برای نخستین بار پاکستانی ها اعتراف کردند که از امین نیز در آستانهء سقوط چنین پیغامی دریافت کرده بودند.

آیا می توان از تاریخ درس گرفت؟

بعضی ها به این دلیل که سیر تاریخ از قانون خاصی تبعیت نمی کند، به تکرار وقایع تاریخی اعتقادی ندارند اما برخی از دانشمندان اهمیت تفکر در تاریخ و تفسیر وقایع تاریخی را در زندگی بشر بسیار مهم می دانند و معتقدند که "نگرش سیاسی وقتی علمی یا فلسفی می شود وادراک از کل زندگی اجتماعی هنگامی عمق پیدا می کند که تفسیر از تاریخ بشر و تفکر در آن اساس کار قرار گیرد."

مورخان مسلمان به تبعیت از روش قرآن کریم که در آن نقل وقایع تاریخی جنبهء عبرت آموزی دارد، به جنبهء آموزنده بودن تاریخ عنایت داشته اند و به همین دلیل ابن خلدون تاریخ خویش را (العبر) نامیده است. عبرت آموختن از تاریخ می تواند به این معنی باشد که آنچه در گذشته اتفاق افتاده، در شرایط مشابه امکان تکرار دارد وگرنه دلیلی ندارد که از چیزی که در گذشته واقع شده و در آینده وقوع آن به هیچ صورت محتمل نیست، عبرت آموخت.

کشتار غیر نظامیان در افغانستان پیامدهای ناگواری دارد

احمد جاهد

با وجود اعتراضات مکرر رئیس جمهور، تلفات غیر نظامیان بخصوص در جنوب کشور ادامه دارد. وقتی نیروهای خارجی در جایی مورد حمله قرار می گیرند، کمی بعد آن منطقه را بمباران می کنند و در نتیجه تعدادی از افراد غیر نظامی به قتل می رسند. توجیه این کشتار ها این است که طالبان از مردم محل به عنوان سپر انسانی استفاده می کنند.

در جایی که اعتراض رئیس جمهور گوش شنوا ندارد، از اعتراض این قلم چه برخواهد خاست؟ بنابراین هدف صاحب این قلم از این نوشته، تکرار اعتراض بی حاصل به کشتار ها نیست و می دانیم که این سلسله ادامه خواهد یافت. اما ذکر این نکته را لازمی می دانم که اگر با کشتار، صلح به افغانستان برمی گشت، سلسلهء این جنگ ها دهها سال ادامه نمی یافت. برعکس به نظر من دوام کشتار ها به معنی ادامهء جنگ است و همانگونه که اتحاد شوروی نتوانست از این راه به موفقیتی دست یابد، دیگران نیز نباید به دسترسی به موفقیت از این راه دلگرم باشند.

اما سخن بر سر این است که چرا خارجیان با ناشنیده گرفتن اعتراضات رئیس جمهور کرزی، وی را در نظر مردم افغانستان بی اعتبار می سازند؟ حتی اگر خارجیان به این باور باشند که کرزی مورد حمایت آنهاست و نباید به اعمال نیروهای خارجی در افغانستان اعتراض نماید، در این صورت هم بی توجهی به اعتراضات وی، بیش از همه به ضرر حضور نیروهای خارجی در افغانستان است و به خشونت ها بیش از پیش انگیزه می بخشد.

لازم است تا رئیس جمهور، رابطهء جدیدی میان خود و مردم ایجاد نماید و عناصری را که به عنوان ابزار حایل میان او و مردم قرار داده شده اند. از کنار خود دور سازد.

در طول سالهای پس از سقوط طالبان، بیشترین قربانیان غیرنظامی را جنوب کشور داده است یعنی جایی که کرزی با توجه به خصلت قبایلی آن مناطق، باید بیشترین حمایت مردمی را از آن جا با خود می داشت. در اثر اقدامات نیروهای خارجی بود که کرزی این حمایت را از دست داد.

قوهء مقننه می تواند بازوی نیرومند رئیس جمهور در مقابل قانون شکنی ها باشد. این که رئیس جمهور وقت ونیروی خود را صرف تضعیف قوه مقننه نماید، در حقیقت خود را در جایگاه متهم اصلی در برابر مردم این کشور قرار خواهد داد. این کار نه به نفع اوست و نه به نفع کشور. رئیس جمهور با این کار، اعتماد مردم نسبت به وی را از میان می برد.

درست است که در کشور های زیادی، پایگاه های نیروهای خارجی مستقر است اما رهبران آن کشور ها با اتکا به مردم خود، از منافع ملی کشور خود حمایت می کنند. در کشور ما اگر این راه به صورت جدی تعقیب نگردد، و اقدامات عملی تر برای رسیدن به آن درپیش گرفته نشود، دیگر هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از گسترش دامنهء آشوب نخواهد بود.

من با زبان دریا

محمد اسحاق فایز

منت مر خدای عالمیان را عز وجل. که در سال های پر برکتی که فضای کشور فقیر ما از ابرهای "دلارها" مکدر شده است، با این خواب خرگوشیی که مسوولان امور فرهنگی مملکت را در خود فرو برده است، و همه از سرخ و سیاه و سبز بی باورانه و ریاکارانه در نای دموکراسی می دمند، اگر فرهنگ سالاران رسمی و معاش بگیر فقط روز می گذرانند و حاضری های خویش را نشانی می کنند، قلم داران بی چوکی را عنایتی از الطاف خداوندی است و هنوز این جا و آن جا قلمی می زنند و قدمی بر می دارند.

تا دیر نشده است قصه یی دارم زمستانی که حیف باشد آن را من باب ارتباط به توجهات عالیهٔ وزارت فرهنگ و ادارهٔ کتاب دانی (به معنای انباشت کتاب ها به تعبیر نا موزونی، کتاب خانهٔ عامهٔ کابل)، این جا نیاورم.

در زمستان برفی که گذشت، بنا بر ضرورتی سر به آنجا زدم. کاری داشتم با حضرت بزرگوار استاد حیدری وجودی که خداوند چراغ انس و حیات شان را از انجمن بی رونق و غریبانهٔ ما کاغذ خوران کم نکناد.

ناگزیر [illegible] منزل سوم ساختمان کتابخانهٔ عامه، ولی در نهایت تعجب دیدم که همهٔ تالار و ذخیره گاه جراید، مجلات و روزنامه ها و... پر از دود است چندان که با چشم باز نمی توان در پشت پرده های دود آدمی را تشخیص کرد.

از آنجا که تجهیزاتی که بتوان با آن درمیان دودها رفت با خود نداشتم، کورمال کورمال به کمک حس لامسه و حس مکاشفه دیوار و قفسه ها را پاییدم تا رسیدم به در اتاق کار آن مرد فرهیخته و با تعجبی بیشتر از مرحلهٔ ورد. باز به یاری همان حواس ها دریافتم که جناب شان با تنی چند از ماموران و خدمه در پشت همان پرده های دود، در تلاشند تا بخاری دیزلی شان را که بشتر به یک ماشین دود آفرین شبیه بود، جا به جا کنند. ظاهراً حنجرهٔ بخاری را دود فرا گرفته و بند آورده بود.

ناگزیر من هم به جمعیت دود خوران پیوستم و معلوم شد که از منزل تحتانی دودها به دفتر استاد راه می یافت. ساختمان کتابخانهٔ عامه تازه از نوسازی بر آمده بود اما برق تشریف نداشت!؟ و تازه اطلاع یافتم که مسؤولان برق به دلیل باقیات کتابخانهٔ عامه از ناحیهٔ نپرداختن وجوهات گذشته، فرمان به قطع جریان برق آن صادر کرده بودند. در حالی که یکی از افراد وزارت اطلاعات و فرهنگ همانجا گفت که وجوه اختصاصی بودجهٔ همان سال این وزارت به دلایلی، برگشت خورده است.

باز برگردیم به اصل موضوع نمی دانم از چرا بازار توجه به کتاب و چاپ کتاب چنان کساد و بیکاره است که با جرأت می توان یاد کرد که اصلاً از یادها رفته است. اما خوشا به حال آفرینش گران ما در حالی که "فند" نمی یابند و از کفافی که در دسترس دارند، در این سال های قحط چاپ، آثار شان را چاپ می کنند تا ماشاء الله درمیان دول همسایه گفته بتوانیم که ما هم سالی اندر باب ادب و فرهنگ، چند جلد کتاب چاپ می کنیم.

سخن در باب کتابی تازه است از کتابخانهٔ عامه راه بازار گرفته و پول ده نان خشک را صرف خریداری آن کردم.

این کتاب "من با زبان دریا" نام دارد و در حقیقت گزیدهٔ غزل هایی از شاعر و آفرینشگر کشورما عفیف باختری است.

کتاب با قطع و صحافت زیبایی چاپ شده و شعر آخر آن نیز مثنوی و یا نمی دانم غزل مثنوی در وزنی غیر از آنچه تا حال در قالب مثنوی به کار رفته است.

من از عفیف باختری تا حال چیزی نخوانده بودم و دسترسی به این کتاب تازهٔ او برایم فرصت غنیمتی شد تا در دنیای خیالات ایشان نیز ساعاتی کیف کنم.

دفترچهٔ مورد بحث را گشودم و چندان که خواندم غزل های خوبی یافتم و شاعر را در غیابس تحسین کردم و دعا کردم تا خداوند به یمن بزرگان مقرب به خودش، قریحهٔ این دوست را بارورتر سازد و الهام رویاهای شیرین و غزل ساز را بر وی منقطع نفرماید.

تقریباً در وسط کتاب بود که صدایی از جنگل شنیده، همان جنگلی که در خیالات شاعر درمیانهٔ یک غزل روییده بود و بسیار پر درخت و پر طراوت نیز. این صدا صدای پاکی و خوبی بود که در صبحی زیبا از اخر جنگل شنیده می شد:

خوابیده در اغوش خودش دختر جنگل
احساس قدم می زند ان سوتر جنگل
صبح است و مرا ایتی از خوبی و پاکی
یک ریز صدا می زند از اخر جنگل

در آخر غزل شکوایهٔ شاعر به نظرم خورد و دریافتم که:

مضمون نوی داشت از ازادی و از عشق
شعری که ترنم نشد از دفتر جنگل

با این همه ادعای شاعر، من خواندم که ترنم عاشقانه هایش درمیان این جنگل خشکیدهٔ روزگارمان طنین انداز است. منتها این شعرهای ترنم شده ورق ورق پراگنده اند و دستی می طلبد تا فراهم کند:

از جنس شعر انچه که دیباچه داشتم
بی تو ورق ورق شده هر سو فتاده است

گویی این ترنم شیرین یادهایی بوده است که اینک در زیر پنجره زرد گشته و این شد بسیار بد:

افتاده زیر پنجرهٔ گلدان یادها
رنگش گرفته زردی و از بو فتاده است
چشمم به قاب عکس تو افتاده روی میز
دیدم که قاب عکس به پهلو فتاده است
عکسی که صورتک به رخ خویش بسته بود
اینک زچهره صورتک او فتاده است
انگار از تلاطم توفان اشک من
نعش دلم به ساحل امو فتاده است
در فرصت جدایی یک روح از بدن
در روی جاده سایهٔ هر دو فتاده است

وقتی این غزل را خواندم یادم آمد که ژالهٔ اصفهانی، شاعرهٔ ایرانی سال ها قبل نوشته بود:

پیراهن کبود پر از عطر خویش را
برداشتم که باز بپوشم شب بهار
دیدم ستارگان نگاهت نو ز هم
در آسمان آبی آن مانده یادگار
آمد به یاد من که زغوغای زندگی
حتا ترا چو خنده فراموش کرده ام
آن شعله های سرکش و سوزان عشق را
در سینه گداخته خاموش کرده ام

در هر دو شعر پایانی دردناک و اندوه بار موج می زند. دنیای خیالات عفیف، عفیف و جمیل است و خدا جمال و زیبایی را نیز دوست دارد وقتی که گام با گام با سایه در حرکت است و هوای سفر عاشقانه دارد، به میان سال های عمر رفته اش در جستجوست:

با سایهٔ که گام به گامم روانه بود
در من هوای یک سفر عاشقانه بود
قصدم نبود رفتن و مرداب گون شدن
قصدم عبور ان طرف رود خانه بود
چیزی به نام انچه که رهتوشه گفته اند
پیسم مهم نبود اگر بود یا نبود
در کوره می گداختم از یک حس غریب
در جانم التهاب خوشی در زبانه بود
یادت به خیر طفلی و ان اسپک گلین
و آن لحظه ها که شادی ما کودکانه بود
نوشیدم انچه بعد تو خونابه بود و بس
بعد از تو خوردم انچه فقط تازیانه بود

زبان رسا و ساده در غزل های عفیف باختری بیشتر مورد توجه بنده قرار گرفت. احساس شاعرانهٔ او درمیان اوزان رسا و دلنشین خواننده را می کشد و می برد به دنیای خودش. او پشت تنهایی خودش پنهان شده و از سایه اش گریزان می نماید:

پشت تنهایی من کیست که پنهان شده است
دلم از سایهٔ خود نیز گریزان شده است
تازه از امدن سال دو روزی نشده
که سفر کرده پرستو و زمستان شده است
باد خوابیده ولی راوی بربادی هاست
برگ زردی که رها روی خیابان شده است
پاره پاره دل توفان زده خونینم
گل سرخی ست که زیر لگد تان شده است
بی تو، بی صبح تن تو، چه حزین می سوزد
بر سر طاقچه شمعی که فروزان شده است
ردی از سایهٔ یک سار در آن پیدا نیست
چقدر پنجره لبریز کلاغان شده است

من نمی خواهم بیشتر از این چیزی در مورد غزل های این دفترچه بنویسم ولی به همه توصیه می کنم که این کتاب تازه آمده را دریابند و از خواندن غزل هایش لذت ببرند.

حسود و نیکو کاری در بارگاه یک پادشاه
داستانی عبرت انگیز

امام غزالی رحمه الله در احیاء العلوم می نویسد:

شخصی نزد یکی از پادشاهان رفت و آمد می کرد و هرگاه رو به روی پادشاه می ایستاد این جمله را تکرار می کرد:

(احسنْ إلی المحسن باحسانه فإن المسئ سیکفیه إسائته)

"ای پادشاه به نیکو کار در مقابل احسانش نیکی کنید چرا که برای کیفر انسان بدکار بدی او به زودی کافی خواهد شد".

اتفاقاً یکی از ندیمان پادشاه از این ارتباط خوشش نیامد لذا دچار حسد شد و به فکر افتاد که کاری کند تا به این شخص ضربه بزند. بالآخره روزی نزد پادشاه رفت و چنین گفت: ای پادشاه بزرگوار این شخص که پیش شما می آید و چنین و چنان می گوید، نسبت به شما اعتقاد بدی دارد؛ می گوید بدن پادشاه خیلی بدبو است و از بغلش بوی بد خارج می شود. پادشاه گفت: من چطور باور کنم که او چنین گفته است. حسود گفت: هنگامی که رو به روی شما ایستاد او را نزد خود فرا خوانید ببینید وقتی نزدیک شما می آید دستش را به بینی و دهان خود می گذارد، تا بوی بد شما را احساس نکند. پادشاه گفت: مشکلی نیست ما آزمایش می کنیم. حسود وقتی از پیش پادشاه برخاست مستقیماً نزد آن مرد نیکو کار رفت و به او گفت: شما نزد من میهمان هستید. سپس غذایی تهیه کرد و در آن مقدار زیادی سیر مخلوط نمود به میهمان خود داد.

مرد نیکو کار پس از خوردن غذا نزد پادشاه رفت و همان جملهٔ معروفش را تکرار کرد. پادشاه گفت: نزدیک بیایید. او در حالی به پادشاه نزدیک می شد که دستش را جلوی دهان و بینی خود گرفته بود، از ترس این که مبادا بوی سیر به مشام پادشاه برسد.

پادشاه حرف حسود را باور کرد و در دلش بسیار خشمگین شد و فوراً دست به قلم برد و نامه یی به یکی از فرماندهان نوشت و دستور داد هرگاه حامل این نامه نزد شما آمد او را بکشید و پوستش را بکنید و از علف پر کرده و نزد من بفرستید. می گویند عادت پادشاه این بود که با خط خودش، فقط برای مردم عطا و بخشش می نوشت. وقتی مرد نیکو کار از کاخ پادشاه بیرون رفت، حسود با او ملاقات کرد و پرسید این نامه چیست؟

نیکو کار گفت حتماً جایزه است. زیرا پادشاه به جز جایزه چیز دیگری را با خط خودش نمی نویسد او گفت شما آن را به من هدیه کنید، شخص نیکوکار پذیرفت.

حسود نامه را نزد فرمانده برد. فرمانده وقتی نامه را خواند محتوا را به اطلاع حسود رسانید. حسود گفت: شما را به خدا چنین کاری نکنید این نامه برای من نوشته نشده است شما دوباره از پادشاه کسب اجازه کنید. اما فرمانده گفت: من چاره یی ندارم و باید دستور پادشاه را اجرا کنم. فرمانده طبق دستور پادشاه حسود را مجازات کرد. پس از مدتی شخص نیکوکار به نزد پادشاه رفت، پادشاه پرسید: نامه چه شد؟ نیکوکار گفت: فلان شخص آن را از من گرفت و برای خود برد. پادشاه گفت: او می گفت که شما نسبت به من گفته اید که بدنم بوی بد می دهد، مرد نیکو کار گفت: هرگز چنین نیست! پادشاه گفت: پس چرا وقتی شما را نزد خود صدا کردم دست را بردهان گذاشتی؟ نیکو کار گفت: برای این که دهانم بوی بد می داد، چون آن مرد به من سیر خورانده بود و من می خواستم بوی سیر به مشام شما نرسد.

پادشاه گفت: بسیار خوب! شما راست می گفتید، به راستی که برای کیفر بدکار بدی او کفایت می کند.

مولانا جلال الدین رومی برای چنین مواردی فرموده است:

بهر مظلومان همی کندند چاه
در چه افتادند و می گفتند اه

وضعیت نوشتاری در کتاب های درسی معارف

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

یکی از عرصه های صدمه دیده فرهنگ ما، زبان و کاربرد آن در مکالمات روزمره و در نظام نوشتاری است. همین اکنون یک جو آشفتگی انشائی و کاربست نادرست تلفظ واژه ها در گفتار و نوشتار وجود دارد. مخارج و حرکات حروف درست ادا نمی شود. استفاده از مصادر و مشتقات واژه های عربی پر از اشتباه است. به رنگ نمونه کاربرد آوایی مشترِک، مشترَک، معتمِد، معتمَد تفکیک نمی گردد، عِشق را عُشق می خوانند و فرق آواها که در ریشه شناسی واژه های عربی که به مشتقات و مصادر آنها مربوط می گردد، مراعات نمی شود.

همه روزه مشنکلاتها و امورات و شؤونات می نویسند، شگفت تر این که به شیوه دستور زبان انگلیسی، پانزده کارگران و ده شاگردان گفته و نوشته می شود، یک چنین آشفتگی و پراگندگی، نه تنها در رسانه ها، بلکه در گفتار روزانه ما دیده می شود.

چنین تصور می گردد که گویا زبان فارسی دری از یک سرزمین غریب بدین قلمرو مهاجر گردیده است. از تفکیک حروف شمسی و قمری در نوشته و کار برد آن، خبری نیست. این که سالانه واژه های زیادی از طریق تکنولوژی وارد زبان فارسی دری در کشور ما می گردد، این واژه ها در یک بی سرنوشتی و بلاتکلیفی قرار دارد و برای این واژه های تازه وارد، تاهنوز کدام کمیته یی با صلاحیت علمی که برای آن ها معادل فارسی بسازد در کشور وجود ندارد. باید گفت که زبان های ملی ما با دشوار ترین چالش تاریخی خویش، رو به روست. زبانهای ملی افغانستان و سایر زبانهای رسمی کشور، در قلمرو حیات فرهنگی و معرفتی یک ضرورت جدی محسوب می شود.

زبان ما باید بتواند در روزگار جدید از یک طرف پاسداری اصالت ها، ارزش ها و سنت های قدیم ادبی را کند و از سوی دیگر ظرفیت بیان یافته های نوین بشری را دریابد. زیرا مهمترین عنصر هویت فرهنگی زبان است. بناءً ما باید زبان را از پژمردگی نجات دهیم و آن را با ظاهر زیبا و پرشکوه بیاراییم.

آشفتگی زبانی نه تنها دامن رسانه ها را گرفته است، بلکه ردای خود را در مکاتب و در کتاب های درسی کودکان و نوجوانان پهن نموده است. وزارت معارف ظرف سال های پس از ادارهٔ موقت تا کنون به چاپ و نشر کتاب های درسی پرداخته و از موجودیت چند نوع نصاب درسی جلوگیری نموده است.

در این جا با یک نگاه موجز به برخی از نارساییهایی که در این کتاب های درسی از نظر زبان وجود دارد، پرداخته می شود.

در برخی از این کتاب های درسی تلمیحاتی وجود دارد که از نصوص مقدس اسلامی گرفته شده است و جای داشت که ترجمهٔ دقیق ان در جایش گنجانیده می شد که چنین کاری صورت نگرفته است. در برخی از موارد اشتباهات فاحش در متن دیده می شود که چند جمله به عنوان مثال ذکر می شود. ... محجوبه هروی علوم مروجهٔ دری و عربی را نزد پدر و مادر خود آموخت و به علوم فقه هوشمندی به بار آمد کتاب دری صنف هشتم ص۲۶ و یا شعری از محمود طرزی:

معارف جمع آگاهی بود اندر زمان مان:

که از شر جهالت ها نگهبانش بود تحصیل

اگر مان به ما اصلاح می گردید، مصرع اول شعر از ابهام خارج می گردید و یا نام نیکو از ادب یافتند عوض نام نکو ص ۴۸ همان کتاب:

و یا:

مرید نبود فتاده را پای زدن،

گردست فتاده را بگیری مردی

مرید به جای مردی به کار رفته است همان کتاب ص ۹۴

در سراسر کتاب های درسی در جای گزینی کلمات همزه دار توجه نشده است واژه هایی که در اساس خویش در آن همزه وجود ندارد با همزه نوشته شده است، نوشتن موفق و موظف با همزه در حالی که هردو کلمه باید بدون همزه نوشته شود، زیرا در ریشه این کلمه ها همزه وجود ندارد، گاهی هم این واژه ها با همزه و گاهی بدون همزه نوشته شده است. به همین گونه مسأله را بالای کرسی یاء این گونه نوشته اند «مسئله» در صورتی که همزه باید

چنین تصور می گردد که گویا زبان فارسی دری از یک سرزمین غریب بدین قلمرو مهاجر گردیده است. از تفکیک حروف شمسی و قمری در نوشته و کار برد آن، خبری نیست

بالای کرسی الف نوشته شود نه یاء. بارها در متن دیده شده است که عوض زمان فعل، اسم فعل به کار رفته است، عوض رسید، رسیدن در جمله "فوجی از کبوتران فرا رسیدن" عوض فَرا رسیدند، ماضی مطلق. در بسیاری از موارد عوض آن که ضمیر یکجا با اسم نوشته شود. جدا نوشته شده است، مانند: کوکب بخت اش عوض کوکب بختش همان کتاب ص ۱۴ بسیاری از جملات با افعال وصفی به پایان رسیده است مانند: آمده، گفته وغیره، در صورتی که کثرت جملات وصفی در نوشته عیب پنداشته می شود و باید آن را به حد اقل رسانید.

آنچه از همه مهمتر است، عدم نشانه گذاری دقیق در سراسر کتاب های درسی مکاتب است. در حالی که نوشتن نوع مهارت است، در صورتی که نگارش با مهارت، ممارست و تمرین همراه باشد حاصل شدنی می باشد. در صورت عدم نشانه گذاری، جمله موجب ابهام می گردد. مراعات نشانه گذاری به فهم درست مطالب و مفاهیم کمک می نماید و بسیاری از احساسات و عواطف با این علایم بستگی دارد

آنچه از همه مهمتر است، عدم نشانه گذاری دقیق در سراسر کتاب های درسی مکاتب است. در حالی که نوشتن نوع مهارت است، در صورتی که نگارش با مهارت، ممارست و تمرین همراه باشد حاصل شدنی می باشد. در صورت عدم نشانه گذاری، جمله موجب ابهام می گردد. مراعات نشانه گذاری به فهم درست مطالب و مفاهیم کمک می نماید و بسیاری از احساسات و عواطف با این علایم بستگی دارد. همبستگی و پیوستگی بین مطالب، جدا سازی و انفصال بخش های سخن با این نشانه گذاری ها آسان می گردد، و در سراسر متن های این کتب درسی این مزیت کم رنگ و بی مایه است. در صورتی که برای شاگردان در این سن و سال اگر تمرین و مهارت نشانه گذاری اجراء گردد. شاگردان بدان عادت خواهند کرد. برایشان نقش فی الحجر خواهد گردید.

گذاشتن تنوین عربی در سراسر متون این کتابها وجود دارد و با اندک دقت و فهم از زبان می توان آن را تقلیل داد. آنچه در این جا قابل بحث و دقت است آغاز دستور زبان فارسی دری در صنف هشتم ابتدایی است. در این کتاب کلمه به اساس دستور عربی به اسم، فعل و حرف تقسیم شده است بهتر بود این دسته بندی بر بنیاد های جدید علم زبانشناسی معاصر بخش بندی می گردید و کلمه به مستقل و نامستقل تقسیم و تشریح می گردید فرصت آن وجود داشت که برخی از مصطلحات زبانشناسی مانند: واژه، فونیم، پساوند، پیشاوند، گروه اسمی، گروه فعلی به صورت مختصر و موجز در دستور این کتابها گنجانیده می شد، نه این که دستور را بر بنیاد قاعده های عربی برای شاگردان تفهیم کرد، زیرا وقتی شاگردان از صنف ۱۲ فراغت حاصل می نمایند، باید به برخی از دانستنی های دستوری معاصر آگاهی داشته باشند، عبور از یک چنین باتلاقهای دشوار گذار، نیاز به باورهای جدید فکری، تعلیم و تربیه سالم و برنامه های دقیقا علمی دارد.

راهکارها

کتاب های درسی در مکاتب به یک بازنگری ضرورت دارد، در این بازنگری باید کتاب های درسی، نخست از همه مطابق با اصول جدید نگارش آماده گردد و در این کار از متخصصان و کارشناسان این بخش دعوت گردد، در گذشته های نه چندان دور نویسندگان دست اول کشور به کار نوشتن و تصنیف کتاب های درسی مشغول بودند مانند، ملک الشعراء قاری و دیگران و در نسل های بعدی تعدادی از دانشمندان سرشناس کشور در ریاست تألیف و ترجمه وزارت معارف به این مهم می پرداختند. جای دارد که این سنت قدیم دوباره احیاء گردد. بدون شک هرکس بدون داشتن مقدمات کافی و دانش لازم نمی تواند. به تحلیل متن بپردازند، بدون درک دقیق از متن، نه تنها معلم ابروی خویش را خواهد برد، بلکه دیگران را نیز گمراه خواهد ساخت، این کار ایجاب اطلاعات مسلکی، تخصص و تجربه را می نماید. باید در گزینش معلمان متن از دقت کار گرفت و معلمان را در این راستا کمک نمود.

به هر شیوه ممکن باید مهارت معلمان بالا برده شود، معلمان دارای تحصیلات عالی در مکاتب استخدام گردند.

معلمان زبان مورد تربیت قرار گیرند، حد اقل معلمان زبان باید از دستور همگانی زبان آگاهی داشته باشند.

شوراهای فرهنگی در لیسه ها و مکاتب به فعالیت آغاز نماید، تا شاگردان علاقه مند به زبان و ادبیات بیشتر کمک گردند، نوشته های آنها در صورت امکان برای شاگردان خوانده شود و یا در جریده های دیواری در مکاتب منتشر شود.

شیوهٔ مشق و تمرین و مهارت روی دست گرفته شود، تا شاگردان مهارت در سخن گفتن را پیدا نمایند.

د حقوقي او قضايي چارو د سمونې دوړ

ډاکتر محمد طارق اقبال *

د سرطان د مياشتې پر يوولسمه او دولسمه په "روم" کې "په افغانستان کې د حقوقي او قضايي کچو" په نامه يو نړيوال کنفرانس جوړ شوي و. چې د ولسمشر په مشرۍ په کې د سترې محکمې او لويې څارنوالۍ رئيسانو او يو شمېر وزيرانو ګډون کړی و.

دا په نړيواله کچه څوېم کنفرانس دی. چې د هېواد د چارو د سمونې په باب جوړېږي. او دا ډول غونډې ښيي. چې نړيوال افغانستان ته ځانګړې پاملرنه لري اوس چې په "روم" کې دا کنفرانس جوړ شو؛ نو دا د هېواد په هر اړخيزې پرمختيا په تېره بيا "سياسي او ټولنيزو" برخو کې د نړيوالو د ونډې اخيستو د ژمنې د اعلانولو پر مفهوم دي: خو هغه څه چې بايد پاملرنه وشي. هغه دا دی. چې افغانستان ته د قانون جوړونې په باب زمونږ د هېواد ټولنيز او سياسي شرايط له پام و نه غورځول شي او که نه يو قانون به هم د دې ځای له واقعيتونو سره اړخ ونه لګوی او پر يخ به ليکل وي.

او يوه ستونزه، چې د لنډ مهالي ادارې له جوړېدو را هيسې. په دې باب شته. هغه همدا ده. چې يو شمېر قانون له نورو هېوادونو څخه کاپي شوي دي او سړی داسې انګېري، چې ګنې مونږ په قوانينو کې د کوم هېواد سمندر پورې برخه يو. په داسې حال کې چې قانون د يوې ټولنې ستونزې اواروي، نه دا چې پر ستونزو نورې هم وربار کړي، د ۱۳۵۷ نه تر ۱۳۷۱ پورې د تپل شوې کمونېزم او بيا له ۱۳۷۵ ل نه تر ۱۳۸۰ پورې د تپل شويو سيمه ييز دودونو په نامه طالباني نظام، ناکامې تجربې پر ولس وربار شوې او اوس هم نړيوالو او دولتي چارواکيو ته زمونږ سپارښتنه دا ده. چې د نورو ټولنو کاپي شوي قوانين پر مونږ راونه تپي زمونږ ټولنه په ځانګړو تاريخي، اقتصادي. فرهنګي. سياسي او ټولنيزو شرايطو کې ده. چې د نړۍ يو هېواد هم ورسره پرتله کېدای نه شي.

دا سمه ده. چې هېواد مو جګړه ځپلی دی او تر اوسه پورې په کې د جګړې لمبې نه دې ناستې؛ خو که وغواړو. چې د هېواد د "ديني او ملي" فرهنګ پر بنياد قضايي قوانين جوړ او پلي کړو؛ نو لومړی بايد تيرې يادونې په پام کې ونيسو او د کادرونو د روزولو لپاره د نړيوالو په مرسته هغو هېوادونو ته هېوادوال واستول شي. چې د حقوقو په باب د "دکترا" د تحصيلاتوزده کړې په کې کېدای شي، د غسې د قانون پلي کول د دولتي حاکميت له ټينګښت پرته ناشوني دي؛ نو ځکه د قانون تدوين او جوړول يو پړاو دی او عملي کول يې په "حکومتی قدرت" پورې تړاو لري: نو ځکه له نړيوالو مو تمه دده. چې د ملي اردو. ملي پوليسو امنيتي چارو؛ څارنوالۍ او قضايي برخو کې له زړهٔ نه زمونږ لاس ونيسي، چې د دې چارو سمبالونه د دولت اقتدار را ښيي او له قانونه سرغړونکي لارې ته راوړای شي له نيکه مرغه د اروپا د اتحادیې يو کمېشنر "بنيتا فر رو والدنر" اعلان کړه، چې مونږ په افغانستان کې د امنيتي او قضايي برخو په مثبت بدلون راوستو لو کې دوه سوه مليونه يورو مرسته کوو. او هم به له ۱۳۸۶ ل (۲۰۰۸ ز) نه تر ۱۳۸۹ ل (۲۰۱۰ ز) پورې په افغانستان کې د قانوني او قضايي تحولاتو، کرنې، مالدارۍ، روغتيايي چارو او درملنې په باب شپږ سوه مليونه يورو بسپنه وکړو

له دولتي چارواکيو او اولسه غواړو، چې له دې مرستو او نړيوالو مناسبو فرصتونو څخه د هېواد په بيا رغاونې کې اعظمي ګټه واخلي او د تيرو کلونو ځينې تېروتنې تکرار نه کړي دغسې دولت ته مو سپارښتنه ده. په دولتي چاروکې د سمونو لپاره هغه طرحې چې د "سياستوالو" له لورې نه وړاندې کېږي په باب يې مثبت غبرګون وښيي چې سياسي ثبات د دولت د ټينګښت او د قوانينو د پلي کولو لپاره بنسټيزه سريزه ده.

قوه قضائیه باچالشهایی بزرگ رو به روست

معین شاهد



فساد دستگاه قضایی پی امد های ویرانگری بر وضعیت کلی نظام به جا می گذارد، چون قضاء ارگان تأمین کننده عدالت و بازدارنده ستم و نا بسامانی در جامعه است، اگرفساد در ارگان دیگری وجود داشته باشد، قضای سالم می تواند جلواین فساد را بگیرد و متخلفان را مجازات نماید، اما در صورتی که قضاء خود دچار فساد باشد، ممکن نیست، بتواند دربخشهای دیگر حکومت با فساد مبارزه نماید

دستگاه قضایی افغانستان باضعف ها و چالش هایی بزرگ رو به رو می باشد. این چالش ها نظام قضایی افغانستان را به یک سیستم ضعیف و ناکار آمد تبدیل نموده است، مردم اعتمادی به محاکم ندارند و ترجیح می دهند از راه های دیگری مانند مراجعه به بزرگان قریه یا محل، جرگه ها، امامان مساجد، قومندانان سابق جهادی و در مناطق جنوب، به محاکم گروه های شورشی طالب، مشکل های حقوقی و منازعات خویش را حل نمایند. عوامل متعددی وجود دارد که باعث تضعیف و بی اعتباری نظام قضایی افغانستان شده است، در این نوشته مختصر به این چالش ها اشاره می نمایم:

مهمترین چالش نظام قضایی افغانستان شیوع فساد گسترده و رشوت ستانی است. در حقیقت قضاء همیشه محل مساعد رشد فساد بوده و نام محکمه و قاضی در ادبیات و داستان های تاریخی جهان با رشوت و ستم گره خورده است، به همین علت است که دانشمندان پرهیزکار و فرهیختهٔ دینی از تصدی این پست امتناع می کردند و در برابر پیشنهاد ها و فشارهای زمامداران مقاومت می نمودند. امامان بزرگ دینی، چون امام ابوحنیفه و امام احمد بن حنبل، پیشنهاد خلفاء را در به عهده گرفتن وظیفه قضاء نپذیرفتند و مقاومت کردند و به روایتی، جان خود را در این راه از دست دادند.

به جای این که محاکم کشورما جایی باشد که، مردم به داد و عدل برسند و جلو بی عدالتی ها گرفته شود، خود تبدیل شده است به نهادی که بیشترین بی عدالتی ها در آن صورت می پذیرد. رشوت به صورت گسترده رواج یافته، قاضیان جهت به دست آوردن این مال حرام، راه ها و ترفند های گوناگونی را آموخته اند، هر کسی که سروکارش به محکمه بیفتد باید با جیب پر پا به آن جا بگذارد والا، به عنوان بازنده محکوم خواهد شد و حتا، طرف برحق دعوا نیز نمی تواند بدون رشوت به حق خویش دست پیداکند.

گسترش عدل و داد در یک جامعه، عامل مهم ثبات و آسایش می باشد. وقتی فردی نتواند از طریق دستگاه های حکومتی به حق خویش دست پیدا کند، درصدد یافتن راه های دیگری برخواهد آمد. و این جا ست که ضعف یک نظام آغاز می گردد.

رشوت ستانی و سایرجلوه های فساد اداره در افغانستان که دیگر به عرف اداری مبدل شده است از عوامل عمدهٔ بی ثباتی در کشور به شمار می رود. اگرچه دولت جهت مهار کردن این بحران به تلاش هایی دست زده است، به عنوان نمونه ریاست مبارزه با فساد اداری و ارتشاء و کمیسیون مبارزه با فساد اداری را پی ریزی نموده است اما، تا حال هیچ یکی این کوشش ها ثمری به بار نیاورده است. اعلان جهاد علیه فساد اداری از سوی لوی سارنوال، به یک غوغایی رسانه یی تبدیل شده است، وی به جای تقویت نهاد سارنوالی، تلاش می نماید به عنوان مرد

نداشتن امکانات و زیرساخت های اداری، مشکل دیگر پیش روی نظام قضایی افغانستان می باشد، دستگاه قضایی از نداشتن امکانات و زیرساخت های اداری وکادری رنج می برد

تنها و یکه تاز میدان مبارزه با فساد تبارز نماید و با اقدامات احساساتی، به یک چهره مشکل ساز برای حکومت تبدیل شده است.

پایین بودن ظرفیت و ضعف دانش و مهارت مسلکی درمیان قضات افغانستان، مشکل دیگر سیستم قضاء است، تعدادی از قاضیان فاقد دانش مسلکی می باشند، عدم اطلاع کافی از قوانین، باعث ضیاع حقوق دادخواهان شده و موجب به درازا کشیدن و درد سر آنها می شود. ضعف آگاهی های قانونی درمیان مردم نیز، باعث پامال شدن حقوق آنها می گردد.

پایین بودن سطح حقوق ماهانه دست اند کاران نظام قضاء، عامل دیگر ناکارآمدی این نظام دانسته می شود، پولی که قاضیان به عنوان حقوق دریافت می دارند، مانند سایر مأمورین و کارمندان دولت ناچیز بوده، نمی تواند مصارف یک هفته یک خانواده را تکافو نماید. اگر قرار باشد که یک قاضی همه روزه از هشت صبح تا چهارعصر، در دفتر باشد و وظیفه اجرا نماید باید راهی پیدا کند برای تأمین مصارف خانواده اش، چون چنین راه مشروعی وجود ندارد، ناگزیر به اخاذی و رشوت روی می آورد. بلند بردن معاش اعضای قوه قضائیه آن گونه که مسؤولان محکمه عالی وعده می دهند، می تواند در جلوگیری از رشوت و پای بندی قاضیان به قوانین و مقررات تأثیر مهمی به جا بگذارد.

مساعدت هایی که درکنفرانس روم اخیراً برای تقویت نظام قضایی افغانستان وعده داده شده، این امکان را برای دولت میسر می سازد. بلند رفتن حقوق، اهمیت پست قضاء را برای قاضی بلند می برد وبه این علت وی با گرفتن رشوت، پست خود را باخطر رو به رو نمی سازد و از جانب دیگر، با اخذ حقوق نسبتا کافی که، منبع حلال مصارف زندگی برای وی به میان می آید، از گرفتن رشوت و سایر اعمال غیر قانونی پرهیز خواهد نمود. بنا بر همین منظور است که، در بسیاری کشورها بلند ترین معاش را برای قاضیان می پردازند.

نداشتن امکانات و زیرساخت های اداری، مشکل دیگر پیش روی نظام قضایی افغانستان می باشد، دستگاه قضایی از نداشتن امکانات و زیرساخت های اداری وکادری رنج می برد. اکثر واحد های اداری، ولسوالی ها و نواحی شهرها فاقد ساختمان محکمه می باشند و ساختمان های موجود نیز شرایط لازم کار را ندارد. تشکیلات قوه قضائیه متناسب با تشکیلات اداری کشور نبوده در برخی مناطق، تعداد کارمندان محاکم جوابگوی نیازمندی های قضایی جمعیت نمی باشد.

ضعف دستگاه های نظارت برتطبیق قانون ورسیدگی به تخلفات باعث شده است. رشوت و فساد اداری و جرأت نقض قوانین و ارتکاب تخلفات، شیوع بیش از حد پیدا نماید. هیچ قاضی و کارمند اداری احساس نمی کند سیستمی برای کشف تخلفات و مجازات متخلفان وجودارد، مردم هیچ گاه ندیده اند کسی به جرم رشوت ستانی مجازات شده باشد. بنا بر این، رشوت خواران بدون ترس وبیمی درمیان مردم و در دفتر کار شان، اقدام به اخذ رشوت می نمایند.

نارسایی قوانین چالش دیگر قضاء می باشد، تقریباً تمام قوانین کشور از گذشته بجا مانده است، این قوانین در موارد زیادی تناقض و ناهمگونی دارند چون این قوانین توسط نظام های سه دههٔ اخیر تدوین و تصویب شده است که آن نظام ها دارای پایگاه های متفاوت و متضاد ایدیولوژیکی بودند و نقطه نظرها و هدف های گوناگون و متضادی در مورد قوانین داشتند، علاوتا برخی این قانون ها به علت آن که تحت تأثیر دیدگاه ها و وابسته گی های انحصارگرایانه و تمرکز پسندانه رژیم های دیکتاتوری تدوین شده، در شرایط حاضر جوابگوی نیازمندی های مردم ما نمی باشد. اصلاح و تدوین قوانین پهلوی مهم اصلاح دستگاه قضائیه می باشد، تا هنوز وزارت عدلیه که وظیفه پیشنهاد و تدوین قوانین را دارد، و همچنان دستگاه های دیگری که سر و کار به قانون دارند، کاری در جهت اصلاح قوانین انجام نداده اند و از جانب دیگر، پارلمان نیز به علت گرفتاری های حاشیه یی و دلچسپی های سیاسی برخی نمایندگان، نتوانسته وقت کافی را برای تصویب قوانین اختصاصی دهد.

البته نا بسامانی های دیگری مانند شورش های مسلحانه در قسمت هایی از کشور و همچنان قانون ستیزی برخی از اشخاص زورگو و مسلح، کارایی دستگاه های مجری قانون راضعیف ساخته است. نارسایی های نظام قضایی افغانستان، باعث تضعیف کارآیی نظام وحکومت گردیده است. بنا برگفته کمیشنر روابط خارجی اتحادیهٔ اروپا در اجلاس روم، تنها ده در صد از مردم افغانستان جهت به دست آوردن حقوق وحل مشکل های خویش، به محاکم مراجعه می کنند و نود در صد دیگر، از رجوع به محاکم خودداری می نمایند.

فساد دستگاه قضایی پی امد های ویرانگری بر وضعیت کلی نظام به جا می گذارد، چون قضاء ارگان تأمین کننده عدالت و بازدارنده ستم و نا بسامانی در جامعه است، اگرفساد در ارگان دیگری وجود داشته باشد، قضای سالم می تواند جلواین فساد را بگیرد و متخلفان را مجازات نماید، اما در صورتی که قضاء خود دچار فساد باشد، ممکن نیست، بتواند دربخشهای دیگر حکومت با فساد مبارزه نماید، فساد قضاء، مصؤونیت وقدرت دفاعی یک نظام را در برابر جرثومه های فساد ازمیان می برد و آن را، زمینه مساعدی برای رشد فساد و آسیب های دیگر می سازد. بنا بر این برای تقویت نظام و از میان بردن ضعف های آن، اصلاح نظام قضایی ضرورت مبرم می باشد، برگزاری اجلاس روم که در آن، مساعدت ۳۶۰ میلیون دلاری به افغانستان وعده داده شد، بهترین فرصت برای اصلاح وتقویت نظام قضایی می باشد که از آن باید استفاده شایسته صورت گیرد.

مورد مواد مخدر از دیدگاه اسلام

مولوی نذیر احمد

یکی از مسایل مهم در جامعه که بحث پیرامون آن امری ضروری است، مساله مواد مخدر می باشد. زیرا بسیاری از عوام مسلمین حکم فقهی آن را نمی دانند، و حتی برخی از خواص نیز این مطلب را خیلی جدی تلقی نمی نمایند. چنان که در این رابطه سؤالاتی هم در بارهٔ معامله و تجارت و هم کشت و زراعت، و دیگر موارد آن در میان جامعه مطرح می باشد. لذا ضروری و مبرم دانسته شد تا حکم آن مفصلا از نظریات جمعی از رجال علمی مذاهب و فقها و حضرات محدثین بیان شود.

بیان موضوع مخدرات

مخدر در لغت به معنی بیهوش کننده است و شامل تریاک، هروئین، کوکائین، مرفین وغیره مواد مخدر دیگر می باشد. شریعت حضرت سیدالرسل علیهم السلام و سایر شرایع قبلی الهی در اصول تنظیم امور حیات و احوال مردم مصالح حقیقی بشر را در نظر گرفته و انواع مضرات و مفاسد اخلاقی و اجتماعی را تشریح نموده است. به طور قطعی هیچ حکمی از احکام الهی نیست که در آن خیر افراد جامعه مضمر نبوده باشد، و هیچ منع شرعی چه حرام و چه مکروه را مشاهده نمی کنیم مگر این که در آنها شر و یا شبهه ضرر واضح است.

عقل سلیم مصالح و مفاسد مخفی را شناسایی، مصالح را اختیار نموده و مفاسد را ترک می کند و این شناخت و تفحص و جستجو در مدتی مدید به دست خواهد آمد. شرع انور قبل از این که عقل در مورد آن جهد کند احکامی را صادر نموده و مشخص است که احکام صادره را عقل سلیم از جهت امر و یا نهی می شناسد و از آن جمله مواد مخدر است که مضرات آن بر صحت و عقل و کرامت و اعتبار و درک انسان مشخص و آفتابی است. بلی تحمل ضرر آن شرعا ممنوع است، و در این مورد سیدنا ابوسعید خدری می گوید که مبارک علیه السلام فرمودند: «ضرر وضرار در اسلام نیست». حدیث را ابن ماجه و دار قطنی باتصال سند و امام مالک با ارسال آن روایت می کنند. و این حدیث در حالی که حسن است، بیانگر این می باشد که ضرر من حیث المجموع چه بر خود و چه بر غیر ممنوع است، و برای هیچ کسی مجاز نیست که به خود و یا به دیگری بدون حق و خیانت گذشته یی ضرری برساند. و معلوم است که ضررهای آفتابی متعددی در معامله و استفاده مخدرات موجود است که ضرر به مستعمل آن شخصا و ضرر به خانواده و اولادش و ضرر به مجتمع آن به حساب می آید. مضرات شخصی تاثیر سنگین و ناگوار مخدرات در جسد وعقل که صحت و اعصاب و فکر و اعضاء مختلفه جهاز هاضمه وغیره بدن را تباه ساخته بلکه آن را مجمع امراض متعدد می سازد. ضرر خانواده معلوم است که به اثر منکرات و مخدرات بین خانواده و اولاد چقدر ناگواری و بی حرمتی ایجاد شده حتی که خانه مسکونی شان به شکل جهنم در آمده و همیشه قهر و ستم و دشنام و تکرار عبارات و کلمات طلاق و اطلاق کلمات رکیک به همسر و تقصیر و کوتاهی نفقه بر اهل و اولاد جریان دارد.

ضرر عام مشخص است که مخدرات باعث اتلاف اموال مفید در اهداف مردود می باشد و چون مبلغ گزاف مصرف می شود مصالح عامه را معطل ساخته به افراد و دولت و مؤسسات ضرر می رساند. علاوه بر همه آنچه تحریر یافت که باعث ارتکاب جرایم بر اشخاص و اموال و اعراض و آبرو است بنیه وجود را فاسد می سازد.

احکام مخدرات

۱- حکم شرعی مخدرات این است که این مجموعه حرام است مگر در حالت تداوی و آنهم در وقت ضرورت و به اندازه ضرورت. این مخدرات اصلا و بالذات نجس نیست لیکن چون مجمع مضرات است حرام است (ص ۲۹۴ رد المحتار جلد ۵) و استفاده از حرام تحت نظر دکتر متخصص مسلمان و آنهم در صورتی که دکتر می داند که بدون این دارو راه و چاره یی برای صحت نیست. و این دوا مؤثر است. وقتی که شرایط سه گانه دکتر متخصص، شرط تأثیر، و عدم مؤثریت غیر آن تشخیص شد به اندازه ضرورت مجاز است، و معلوم است که شرع انور در حالت ضرورت و هلاکت، خوردن و آشامیدن حرام را به اندازه یی که انسان را از ورطهٔ هلاکت باعث رهانیدن باشد مجاز دانسته و حالت مخمصه بیانگر این مدعاست (ردالمختار ص ۱۴۰ و ص ۲۱۵ ج ۱و۴) و این که این حرمت انها ذاتی نیست و بواسطه ضررهای مشهوده حرام شده است (رد المختار ص ۲۹۴ ج ۵) تصریح کرده است که عین مطلب در(ص ۵۵۰۵ فقه الاسلامی و ادلته) نیز می باشد و از (ص ۱۶-۱۷ مسلم الثبوت) بخشی مفصل می نویسد که حرمت عام است چه لذاته و چه لغیره و چه به اعتبارات باشد شامل است.

دلایل حرمت

دلایل حرمت، و مبادله مخدرات بسیار است:

۱- قبلا واضح گردید که ضررهای مخدرات همه جانبه است و این مخدرات مانع نماز و ذکر بوده مفتر عقل و بدن و دین و اخلاق فرد و اجتماع است، و چیزی که این قدر مضر باشد، معلوم است که حرمتش برای هر شخص عاقل قابل قبول است.

۲- در مورد حرمت آنها حدیث شریف موجود است. امام احمد بن حنبل در مسند خود و ابوداود در سنن خود از سیدتنا ام سلمه رضی الله عنها که از جمله امهات المؤمنین رضی الله عنهن اند روایت می کنند که مبارک علیه السلام از هر مست کننده و سست کننده و بیهوش کننده وسست کننده و بیهوش کننده بی نهی و منع کردند. (مسند احمد بن حنبل جزء ۶ ص ۳۰۹). (ابو داود، کتاب اشربه باب ۵ ص ۵۷ ج ۵).

و مفتر برای هر آن چیزی که عدم سلامتی و بیحالی عمومی و بی حس کردن اعضاء وجود را سبب می شود. گفته می شود. و این حدیث مخصوص حرمت حشیش (چرس) را ثابت می کند، زیرا حشیش هم ضررهای مذکور را همراه دارد.

علتی که امام های مذاهب اربعه رضی الله عنهم در مورد حشیش(چرس) صحبتی نکردند، زیرا در آن وقت نبود، و ظهور حشیش در اواخر قرن شش و اوایل قرن هفتم حینی که دولت تتاری ها ظهور کرد صورت گرفت، و ابن بیطار گفته است که قبایح چرس و تریاک زیاد است و از جمله (۱۲۰) ضرر را بر شمرده است، و خلاصه همه انواع مخدرات که بی هوشی و بی حسی را همراه دارد در تحت حدیث مبارک فوق شامل است و شکی نیست که شریعت اسلامی همه مفاسد و مضرات را حرام می داند، و حکم به حرمت شان می دهد. ملا علی قاری هروی که بیش از صد عنوان کتاب در علوم مختلفه از ایشان مانده است در مرقات المفاتیح شرح مشکات می گوید: این حدیث بیان کننده حرکت بنگ و چرس و غیره مواد مخدر است که همه باعث ازالهٔ عقل بوده و سست کننده است، و این علت در همه مواد مخدر واضحا موجود است (ص ۳۱۸ حاشیهٔ ج ۴ مشکات).

تجارت مخدرات

۲- تجارت مخدرات چه خرید و فروش و چه عرضه کردن به بازار جهت فروش حرام است. و معلوم است که چنین تاجری باعث رواج مخدرات شده و مبلغی که از انجام معاملات این مواد به دست می اورد پول حرامی بوده که کسب کردن و عملش گمراه کننده و معاونت بر معصیت است. زراعت چرس و خشخاش و ساختن کوکائین و هروئین و تریاک که شیره خشخاش است حرام است، و هر چیزی که معاونت بر معصیت داشته باشد معصیت است. بناء زراعت چرس و خشخاش و استخراج سایر مخدرات از خشخاش و نگهداری آن و انتقال آن از جایی به جایی امری است حرام دلیل واضح در این مورد، حدیث سیدنا عبدالله ابن عباس که ابو داود از جمله صحاح سته است آن را روایت می کند می باشد، اینکه مبارک علیه السلام فرموده اند: کسی که در زمان چیدن انگور از فروختن آن امتناع کرده و نگه می دارد تا آن را برای کسیکه شراب می سازد بفروشد به دوزخ داخل می گردد. این حدیث مبارک(ص) مثلی که بیانگر حرمت منع نگهداری انگور جهت فروش آن برای سازندهٔ شراب است بیان حرمت معاونت هر نوع حرام دیگری هم می باشد، از جمله زراعت چرس و خشخاش و سایر موارد استخراج فشرده تریاک و هروئین و کوکائین وغیره. و حدیث سیدنا عبدالله ابن عمر رضی الله تعالی عنهما به روایت ابو داود و حاکم است که مبارک علیه السلام در مساله خمر ده کس را لعنت کرده اند:

۱- خود شراب را
۲- شراب خوار را
۳- ساقی اش را
۴- فروشندهٔ آن را
۵- مشتری و خریدار ان را
۶- فشار دهندهٔ انگور را برای شراب
۷- طالب فشار و دلال انگور برای شراب را
۸- حامل آن را
۹- کسی که واسطه حمل شراب می گردد
۱۰- کسی که خود پول شراب را استفاده می کند

جمعا ده نفر در مورد شراب و اشخاصی که به نوعی در موضوع سهیم اند مورد لعنت سید الابرار علیه السلام قرار دارند، و این حدیث شریف علاوه بر این که شارب خمر را مورد لعنت قرار داده است تمام کسانی که سبب معصیت و یا معاونت بر آنند را شامل ساخته است. در مورد سود خواری هم همین طور در حدیث سیدنا حضرت عبدالله بن مسعود(رض) که آنٌ را سنن و امام احمد حنبل روایت کرده اند که مبارک علیه السلام گیرنده و دهنده و شهود و نویسنده سند سود را لعنت کرده اند. در مجموع احادیث مبارک علیه السلام همکاری و معاونت و سبب شدن بر معصیت را معصیت و شریک جرم اولی معرفی کرده اند، و در مورد مواد مخدر هم کسی که زراعت می کند، و استخراج می نماید و انتقال می دهد و می فروشد و استفاده می کند در مجموع با فاعل جرم و یا مسبب معصیت و یا همکار و معاون می باشد که شریک جرم اولی بوده فعل حرام و منکر را مرتکب می شود.

پول مخدرات

بلی تمام فایده هایی که تاجر و دیگر اشخاصی که در مساله، به نوعی سهیم اند حرام است، و حضرت او تعالی در سوره مبارکه بقره آیه مبارکه (۱۸۸) می فرماید: (شما اموال خود را بطور باطل و حرام در بین خود مورد استفاده قرار ندهید) که موضوع سرقت، خیانت و غصب و قمار و معاملات سودی و عقد هایی فاسد است که خرید و فروش و فواید مواد مخدر جزء این امر است، و احادیث متفق علیه متعددی در مورد این که کسی که شراب را حرام کرده است پول فروش آن را نیز حرام نموده موجود می باشد که این احادیث بیان حرمت پول مواد مخدره را هم تشخیص می دهد.

عقوبت انجام دهندهٔ مخدرات

همه فقها بر تعزیر دهنده مخدرات که بدون عذر شرعی است اتفاق دارند. (و عذر شرعی یعنی تداوی) بلی! در شرایط مخصوص که قبلا اشاره شد استفاده از مواد مخدر برای تداوی مجاز است، ودر غیر آن تمام اشخاصی که به نحوی از انحاء شریک مواد مخدر اند سزاوار تهدید شرعی می باشند و تعزیر را قاضی شرع شریف آنچه مطابق حال جانی و جنایت آن می بیند از قبیل توبیخ و حبس طویل و تشهیر و زدن دره وغیره را جمعا و یا بعضا حکم می دهد. از (ص ۵۵۱۰ الی ۵۵۲۰ ج ۷ الفقه الاسلامی و ادلته)

وقوع طلاق

کسی که چرس کشید و یا تریاک تناول کرد و عقلش به سبب این ها زایل گردید، و زنش را طلاق داد. طلاقش به روایت مفتی به مذهب حنفیه و شافعیه واقع می گردد.(فتح القدیر چاپ ۹ جلدی ص ۳۲۶ جلد ۳) این حکم طلاق به اتفاق مذهب حنفیه و شافعیه است (رد المحتار ص ۲۹۵ و ج ۵) بیانگر حرام بودن حشیش هم می باشد (ص ۳۴۶ فتح القدیر ج ۳ نه جلدی) و کسی که به واسطه بنگ مست شده و از عقل دور می گردد طلاقش واقع می گردد، و بر این روایت فتوی است (ص ۳۵۳ ج اول فتاوی عالمکیریه) و حرام است خوردن بنگ و چرس و تریاک. زیرا هر کدام عقل را فاسد ساخته و از ذکر الهی انسان را مانع می شود. لیکن حرمت هر کدام مثل حرمت شراب نیست. بناء به واسطه خوردن و استفاده های دیگر در حالی که در جهت تداوی نباشد تعزیر آن واجب است. (تنویر الابصار و درالمختار و رد المحتار ص ۲۹۵ ج ۵) اگر کسی قایل به حلیت بنگ و چرس و تریاک باشد زندیق و مبتدع می باشد.(درالمختار) و فتوی مشایخ مذهب حنفی وشافعی از جمله ابن حجر عسقلانی محدث شهیر بر این است که طلاق کسی که چرس کشیده واقع می شود زیرا علما به حرمت و تعزیر فروشندن آن فتوی صادر کرده اند حتی گفته اند که اگر کسی قایل به حلال بودن آن باشد زندیق است• رد المحتار از بحرالرائق ص ۲۹۵ ج ۵) خلاصه مطلب این که چرس و بنگ و تریاک و اشیایی که از آن ساخته.می شود مثل هرئین و کوکائین و غیره حرام بوده و اجماع علمای مذاهب براین فتوی است. که در صورت مدهوشی توسط این مواد و گفتن طلاق. طلاق آن اعتبار داشته و زنش طلاق می گردد و این مواد جمعا لازم است حریق شود و تاوان ندارد. و گرفتن این مواد مجموعا مصادره نیست بلکه تمام کسانی که در مورد این مواد به شکلی سهیم اند واجب التعزیر می باشند زیرا این اشخاص فاسق بوده نشر دهند فساد می باشند تحریر خلاصه مطلب تحقیق از در مختار و رد المحتار در (ص ۲۹۷ ج ۵) از چندین کتاب است. از جمله شرح وهبانیه و جوهره النیره شرح قدوری و بحرالرائق و فتح القدیر وغیره می باشد. فتاوی کاملیه و انقرویه هم در مورد بحث مذکور حکم حرمت را صراحتا دارند.

سیدنا ابوسعید خدری می گوید که مبارک علیه السلام فرمودند: «ضرر وضرار در اسلام نیست». حدیث را ابن ماجه و دار قطنی باتصال سند و امام مالک با ارسال آن روایت می کنند. و این حدیث در حالی که حسن است، بیانگر این می باشد که ضرر من حیث المجموع چه بر خود و چه بر غیر ممنوع است، و برای هیچ کسی مجاز نیست که به خود و یا به دیگری بدون حق و خیانت گذشته یی ضرری برساند. و معلوم است که ضررهای آفتابی متعددی در معامله و استفاده مخدرات موجود است که ضرر به مستعمل آن شخصا و ضرر به خانواده و اولادش و ضرر به مجتمع آن به حساب می آید

علتی که امام های مذاهب اربعه رضی الله عنهم در مورد حشیش(چرس) صحبتی نکردند، زیرا در آن وقت نبود، و ظهور حشیش در اواخر قرن شش و اوایل قرن هفتم حینی که دولت تتاری ها ظهور کرد صورت گرفت، و ابن بیطار گفته است که قبایح چرس و تریاک زیاد است و از جمله (۱۲۰) ضرر را بر شمرده است، و خلاصه همه انواع مخدرات که بی هوشی و بی حسی را همراه دارد در تحت حدیث مبارک فوق شامل است

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالي‌ترين آرزوهاي ملت

دور ششم سال ششم شمارهٔ یازدهم شنبه ١٦ سرطان ١٣٨٦ ٢٢ جمادی الآخر ١٤٢٨ - 7 July , 2007

هواپیمای حامل ژنرال مشرف مورد یک حملهٔ نا موفق قرار گرفت

یک مقام امنیتی پاکستان اعلام کرد: دیروز (جمعه) به سمت هواپیمای رئیس جمهور پاکستان همزمان با بلند شدن از فرودگاه نظامی در راولپندی شلیک شد.

به گزارش خبرگزاری رویتر، هواپیمای حامل پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان، به شهر تربت جایی که وی با قربانیان سیل اخیر در این کشور دیدار کرد، بدون هیچ آسیبی فرود آمد.

این در حالی است که ارتش پاکستان هر گونه حمله علیه هواپیمای مشرف را رد کرده است.

اما یک مقام امنیتی پاکستان که خواست نامش فاش نشود گفت اقدام ناکامی برای قتل مشرف انجام گرفته است و تاکنون هیچ فردی در این رابطه دستگیر نشده است.

عکاس خبرگزاری رویتر که در این مکان حضور داشت، اعلام کرد: دو تفنگ بزرگ در بام یک خانه دو طبقهٔ نزدیک به این فرودگاه قرار داده شده بود.



این در حالی است که یکی از ساکنان این منطقه نیز صدای گلوله شنیده است.

ارشد محمود یکی از این ساکنان گفت که این خانه دو طبقهٔ خالی بوده و قرار بود که اجاره داده شود.

نیروهای امنیتی این منطقه را محاصره کردند.

مشرف در دسامبر ٢٠٠٢ از دو اقدام شبه نظامیان وابسته به القاعده برای قتل وی در راولپندی جان سالم به در برده بود.

بر اساس گزارش‌های اعلام شده توسط خبرنگاران تلویزیون، در حملهٔ دیروز یک خمپاره نیز به سمت این هواپیما شلیک شد.

این در حالی است که یک سخنگوی دولت پاکستان در واکنش به این خبر گفت: هیچ شلیکی به سمت هواپیمای مشرف انجام نگرفته است.

رهایی یک تبعهٔ آلمانی

وزرات داخلهٔ کشور روز پنجشنبه ١۴ سرطان اعلام کرد: یک تبعهٔ آلمانی که هفتهٔ گذشته به همراه مترجمش ربوده شده بودند آزاد شدند.

زمری بشری، سخنگوی وزارت داخله اعلام کرد: این آلمانی و مترجم همراهش به کمک پلیس آزاد شده و در شرایط جسمانی خوبی به سر می برند.

این آلمانی از روز پنجشنبهٔ هفتهٔ پیشتر زمانی که از شهر قندهار عازم هرات بود، ربوده شد. به گفتهٔ مسؤولان امنیتی این دو در ولایت فراه توسط افراد ناشناس ربوده شده بودند.

بشری گفت: نمی‌توانم بگویم که چه کسانی این دو را دزدیده بودند اما این اقدام یک آدم ربایی بود.

والی ولایت فراه گفت که رابایندگان برای آزادی این فرد تقاضای ۴٠ هزار دلار را کرده بودند. رابایندگان از افراد طالبان بودند.

طالبان هرگونه دست داشتن در این اقدام را رد کرده اند.

کنفرانس توسعهٔ قضایی افغانستان ...

نظام قضایی افغانستان با مشکلاتی مانند فساد گسترده ، نداشتن کادرمتخصص ، ضعف تشکیلات قضایی و حقوق اندک قاضیان مواجه است، خدمات قضایی، از جمله دسترسی مردم به مشاوران حقوقی ، با کمبودهای جدی رو به روست.

ضعف دستگاه قضایی، باعث تضعیف اعتبار حکومت شده نارضایتی وسیعی را در میان مردم به بار آورده است.

هیأت های شرکت کننده در کنفرانس رم، تعهد کردند که ٣۶٠ میلیون دلار را برای انجام اصلاحات قضایی در افغانستان مصرف کنند. این مبلغ حدود نیمی از پولی است که افغانستان انتظار داشت به دست آورد.

در این اجلاس فیصله شد تا در ماه اکتوبر امسال به منظور نهایی کردن استراتژی اصلاحات عدلی و قضایی افغانستان یک نشست بین المللی در کابل برگزار گردد.

کنفرانس توسعهٔ قضایی افغانستان ...

در پارلمان کانادا برای خروج نیروهای آن کشور از افغانستان جریان دارد، این حملهٔ پر تلفات می تواند طرفداران حضور کانادا در افغانستان را به شدت تحت فشار قرار دهد.

مقامات پیمان ناتو همچنان می گویند که دو سرباز این نیروها دیروز جمعه در خلال یک عملیات در شرق افغانستان کشته شده اند.

بر اساس گزارشها تعدادی دیگر از سربازان ناتو و اردوی ملی افغانستان در این عملیات زخمی شده اند.

مقامات ناتو در خصوص این عملیات توضیحات بیشتری ارایه نداده اند.

همزمان با این حادثه در تحول دیگری در یک انفجار انتحاری در اطراف کابل، دو سرباز ناتو زخمی شده اند. براساس گزارشها در این حمله بمبگذار انتحاری کشته شده است.

روز پنجشنبه ١۵ سرطان در اثر انفجار یک بمب در ولایت پکتیکا، در جنوب شرق افغانستان یک سرباز وابسته به ناتو کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند.

این بمب در کنار جاده یی در ولسوالی وازه خوا کار گذاری شده بود.

درگیری نیروهای پاکستانی با...

روز جمعه این درگیری ها میان نیروهای ارتش و معترضان زمانی از سر گرفته شد که به گزارش رسانه ها دو طالب مسلح می خواستند مسجد را ترک کنند که از سوی سربازان هدف شلیک قرار گرفتند، در نتیجهٔ این درگیری هر دوی این طالبان کشته و ده تن دیگر زخمی گردیدند.

طلاب دینی مدارس مسجد لال ازدوماه بدین سو با سرپیچی ازمقررات حکومتی اعلان نمودند دست به تطبیق احکام شریعت اسلامی زده اند ، آنها در اواخر ماه گذشته، به یک درمانگاه طب سوزنی حمله کردند و چند نفر چینی را به اتهام فساد اخلاقی توقیف نموده وبه مسجد انتقال دادند.

دولت از حمله وسیع علیه مسجد ومدارس دینی مربوط آن تاهنوزامتناع نموده بود چون بیم آن وجود داردکه این اقدام پی آمدهای زیانباری برای ثبات پاکستان به بارآورد. درنتیجه سرکوب طلاب در آن مسجد، ممکن است سایرطلاب دینی پاکستان دست به عملیات تلافی جویانه بزنند وجنگ های مسلحانه علیه حکومت پاکستان مشتعل گردد.حکومت پاکستان قصددارد بااعمال فشار مانند قطع برق وآب، طلاب را مجبورسازد ازمواضع خود خارج شوند و خود را تسلیم نمایند.

به نظر می رسد که عامل درگیری روز سه شنبه تلاش طلاب زن برای وادار کردن ماموران به تخلیه پست بازرسی نزدیک مدرسه بوده است. اما با توجه به اقدامات طالبان مسجد لال وقوع این درگیری اجتناب ناپذیر به نظر می رسید.

مولانا عبدالرشید قاضی معاون مدرسه گفته است تحت شرایطی از جمله امکان ماندن در کنار ماد ىمارش به صورت مؤقت در مجتمع مسجد خود را تسلیم می کند اما طارق عظیم معاون وزیر اطلاعات پاکستان گفته است باید تسلیم شدن به گونهٔ کامل و بدون هیچ قید و شرطی باشد و گفته است رها کردن زنان و دختران و کودکان که به قول وی به عنوان سپر بشری از آنان استفاده می شود نشان حسن نیت از سوی دولت است.

در دیدار رئیسان جمهوری افغانستان و ترکمنستان ...

کمیسیون مشترک بر طرح های جدید احداث خطوط انتقال انرژی به منظور افزایش صادرات برق از ترکمنستان و ترانزیت آن از طریق خاک افغانستان به کشورهای ثالث تأکید کرده است.

به گزارش منابع خبری ترکمنستان، رهبران افغانستان و ترکمنستان موافقت کردند تا شرایط مساعدتری را نیز برای تقویت همکاری های اقتصادی دو طرف ایجاد کنند.

در خلال دیدار آقای کرزی از ترکمنستان، توافقنامه هایی در زمینه افزایش مبادلات تجاری و ترانزیت کالا و تسهیلات حمل و نقل بین دو طرف امضا شده است.

رییس جمهوری ترکمنستان وعده داده است با احداث خطوط آهن جدید، امکان دسترسی افغانستان به شبکهٔ خط آهن آسیای مرکزی را فراهم آورد.

پیش نویس توافق نامه هایی در مورد بهبود تسهیلات کنسولی و مبادلات فرهنگی و آموزشی و همکاری نهادهای انتظامی و پلیس دو کشور نیز در این سفر آقای کرزی به ترکمنستان بررسی شده است.

از موارد مهمی که در جریان دیدار آقای کرزی مطرح شده احداث خط لولهٔ انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند از طریق خاک افغانستان بوده است.

مقامات دو کشور گفته اند که تصیمم گیری در مورد احداث خط لولهٔ انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند مستلزم بررسی و برآورد حق ترانزیت افغانستان و همچنین تأمین منابع مالی لازم برای سرمایه گذاری در چنین طرحی است.

ترکمنستان دارای ذخایر غنی گاز طبیعی است اما برای صادرات آن عمدتا به خط لوله یی متکی است که از خاک روسیه عبور می کند و به همین دلیل هم تاکنون احداث خطوط لولهٔ انتقال گاز از طریق ایران و ترکیه را به منظور کاهش وابستگی خود به روسیه مورد بررسی قرار داده است.

در ماه فوریه سال گذشته گزارش شد که مقامات سه کشور افغانستان و پاکستان و ترکمنستان بر سر مسایل کلیدی طرحی برای احداث خط لولهٔ انتقال ز ترکمنستان به پاکستان از طریق افغانستان به توافق رسیده اند.

طرح احداث خط این لوله یی انتقال گاز از منابع گاز طبیعی دولت آباد در ترکمنستان به پاکستان از اواسط دهه ١٩٩٠ مطرح بود و در آن زمان دولت اسلامی در افغانستان مستقر بود و بین دو شرکت بزرگ بین المللی یونیکال و بریداس بر سر به دست آوردن این پروژه رقابت شدید وجود داشت و حتی گفته می شد این شرکت در شکل دادن به حرکت طالبان بسیار نقش مهم داشت. در سال های تحت حاکمیت طالبان شرکت یونیکال کارهایی در احداث این خط لوله انجام داد، اما شرایط داخلی افغانستان در سال های بعد مانع از عملی شدن چنین طرحی شد.

بر اساس پیش بینی های مقامات افغانستان انتظار می رود کار عملی انتقال این خط لولهٔ گاز تا یک سال دیگر آغاز شود.

مقامات افغانستان پیش از این گفته بودند که برای اجرای مصؤون این برنامه، نیاز است تا سرمایه گذاری بیشتری در زمینهٔ تأمین امنیت در افغانستان صورت گیرد. چون به باور کارشناسان، مشکل امنیتی در افغانستان می تواند چالش اصلی بر سر راه اجرای این طرح باشد. این خط لولهٔ گاز مسیری به طول ١٧٨٠ کیلومتر را در بر می گیرد که نزدیک به ٧٣۵ آن از مسیر افغانستان خواهد گذشت.

در صورت احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند از طریق خاک افغانستان، این کشور درآمدی را از این طریق به عنوان حق ترانزیت (عبور) گاز صادراتی کسب خواهد کرد که مقدار آن را کارشناسان به ۴٠٠ میلیون دلار آمریکایی در سال پیش بینی می کنند. علاوه بر این، این پروژه برای ٣٠٠٠ نفر زمینهٔ کار ایجاد خواهد کرد و در کنار آن افغانستان می توان گاز مورد نیاز خود را نیز از این پروژه تأمین کند.

کشف گور دستجمعی ...

وی به نقل از پیرمرد افزود: آن‌ها (روس‌ها) سابقاً افراد را به این جا می‌آوردند. آن‌ها قربانیان را درون اتاق‌هایی می کردند و در اتاق ها را با خشت و سنگ می‌پوشاندند و قربانیان را به حال خود رها می کردند.

در این گزارش آمده است که تاکنون صدها جسد از ١۵ اتاق زیر زمینی این زندان کشف شده است ولی مشخص نیست که چه تعداد قربانی در این اتاق‌ها دفن شده‌اند.

به گفتهٔ علی شاه پکتیاوال، مدیر مبارزه با جرایم جنایی در مورد این گور دسته‌جمعی، دست‌هایی بسیار از قربانیان بسته شده و به آن‌ها چشم بند یا دهان بند زده شده است.

این کشف یادآور جنگ و ستم‌هایی است که مردم افغانستان در دوران اشغال شوروی تحمل کرده‌اند.

در جریان حملهٔ شوروی سابق به افغانستان بیش از ١/۵ میلیون شهروندان افغانستان کشته و هزاران تن دیگر مورد شکنجه قرار گرفتند.

این گور دسته جمعی سومین مورد کشف شده در نزدیکی کابل است. سال گذشته نیز نیروهای ناتو یک گور دسته جمعی دیگر را در حوالی زندان پلچرخی در شرق کابل (جایی که بسیاری از مخالفان اشغالگران شوروی سابق شکنجه یا کشته شدند) کشف کردند. همچنین در حمل سال جاری نیز یک گور دسته جمعی دیگر حاوی بیش از ۵٠٠ جسد که در زمان اشغالگری شوروی کشته شده بودند، در دشت قرغ مرکز ولایت بدخشان کشف شد. نیروهای شوروی سابق از سال ١٩٧٩ تا ١٩٨٩ افغانستان را تحت اشغال خود داشتند.